

Unit 16: Verb Complementation

متمم فعلی

فعل اصلی مهم‌ترین بخش جمله است و نقش‌های زیر را ایفا می‌کند:
تغییرات زمان را نشان می‌دهد. (به بخش زمان‌ها رجوع شود). مثال:

To go:

I go. / I am going. / I have gone. / I will go. / I had gone. / I was going./ etc.

با فاعل خود از نظر تعداد (مفرد یا جمع) مطابقت می‌کند. (به بخش مطابقت فعل با فاعل مراجعه شود). مثال:

I go on foot.

He goes by bus.

They go in their car.

فعل اصلی به‌طور کلی بر دو نوع است:

۱) **فعل ناگذر (Intransitive verb):** به فعل لازم نیز معروف است. این‌گونه فعل‌ها نیازی به مفعول ندارند و بدون مفعول به‌کار می‌روند. مثال:

He travels a lot.

او زیاد سفر می‌کند.

The sun rises in the east.

خورشید از شرق طلوع می‌کند.

این گروه فعل مجهول نمی‌شوند.

۲) **فعل گذرا (Transitive verb):** فعل متعدی نیز نامیده می‌شود. این دسته از افعال به مفعول نیاز دارند. مثال:

They built a house in this city.

آن‌ها در این شهر خانه‌ای ساختند.

I saw a lion in the park.

من در پارک یک شیر دیدم.

فعل گذرا به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تک مفعولی: فعل فقط با مفعول مستقیم (Direct Object) به‌کار می‌رود. مثال:

He hit me.

او مرا زد.

They destroyed the old building.

آن‌ها ساختمان قدیمی را نابود کردند.

ب) دو مفعولی: فعل علاوه بر مفعول مستقیم (Direct Object) مفعول غیرمستقیم (Indirect Object) نیز می‌طلبد. مثال:

I gave him a book.

من به او یک کتاب دادم.

She's sent me a gift.

او برای من یک هدیه فرستاده‌است.

He'll buy a bicycle for his son.

او برای پسرش یک دوچرخه خواهد خرید.

بعضی از جملات علاوه بر فعل اصلی فعل دوم نیز دارند. مثال:

I want to learn English perfectly.

من می‌خواهم زبان انگلیسی را به‌طور کامل یاد بگیرم.

در چنین شرایطی فعل اصلی تغییرات زمان را نشان می‌دهد و هم‌چنین تابع فاعل جمله است. مثال:

I want to learn English perfectly.

He wants to learn English perfectly.

He wanted to learn English perfectly last year.

و فعل دوم با تغییرات زمان تغییر نمی‌کند و تابع فاعل جمله نیست. بلکه تابع فعل اصلی است و به یکی از اشکال زیر ظاهر می‌شود:

| شکل فعل | معادل | مثال |
|--------------------|--------------|-----------|
| infinitive | مصدر با to | to go |
| bare infinitive | مصدر بدون to | go |
| gerund | دار ing | going |
| past participle | p.p. | gone |
| perfect infinitive | have p.p. | have gone |

✓ فعل دوم به شکل مصدر با "to" در ساختارهای زیر به کار می‌رود:

*** بعد از صفت در ساختارهای زیر:**

۱) «It + to be + adj + (for sb) + to + V»

سخت مطالعه کردن ضروری است.

It is necessary to study hard.

Do you think it is safe for us to drink this water?

آیا فکر می‌کنید نوشیدن این آب برای ما بی‌خطر است؟

۲) «It + to be + adj + of + someone + to + V»

It was nice of you to take me to the airport.

نهایت لطف شما بود که مرا به فرودگاه رساندید.

سایر صفاتی که در این ساختار به کار می‌روند عبارتند از:

kind, mean, silly, polite, impolite, rude, generous, clever, careless, pleasant, unpleasant, intelligent, friendly, unfriendly, sensible, unreasonable

۳) بعد از صفاتی که نشان می‌دهند که چه احساسی نسبت به کسی یا چیزی داریم. مثال:

I was sorry to hear that you had an accident.

از شنیدن این که تصادف کردید متأسفم.

I am really happy to see you again.

از دوباره دیدن شما واقعاً خوشحالم.

مهم‌ترین این صفات عبارتند از:

pleased, glad, sad, surprised, delighted, amazed, relieved, disappointed, astonished

بعد از صفت "busy" فعل "ing" دار به کار می‌رود. مثال:



He is busy fixing the car right now.

او همین حالا مشغول تعمیر کردن اتومبیل است.

*** مصدر بعد از ساختارهای:**

۱) «too + adj / adverb + to + V»

جان برای رأی دادن بیش از اندازه جوان (کم‌سن) است.

در این ساختار، مصدر نتیجه منفی را بیان می‌کند.

در این ساختار، اسم یا ضمیر مربوط به شخص همراه "for" به کار می‌رود:

این برای شما بیش از اندازه سنگین است تا بلندش کنید.

جان بیش از اندازه تند می‌راند که من نمی‌توانم بگیرمش.

۲) "enough" در ساختارهای زیر:

John is too young to vote.

This is much too heavy for you to lift.

John drives too fast for me to overtake.

enough + noun + to + V

I was fool enough to believe him.

به حد کافی احمق بودم که باورش کنم.

adj / adv + enough + to + V

She's old enough to do what she wants.

او برای انجام دادن آن چه که می‌خواهد به اندازه کافی بزرگ است.

The teacher speaks slowly enough for us to understand.

معلم برای فهمیدن مان به اندازه کافی آهسته صحبت می‌کند.

نکته: در ساختارهای "enough" مصدر مفهوم مثبت دارد و نتیجه مثبت را بیان می‌کند.

* بعد از افعال زیر مصدر در دو فرمول زیر به کار می‌رود.

(to + V) + مفعول / Ø + فعل اول + فاعل

| | | | |
|--------|---|--|--------------------------|
| فاعل + | } | <p>want, like, would like, tell, wish, love, warn, choose, happen, hope, plan, try, decide, claim, agree, seem, appear, fail, remember, forget, tend, refuse, endeavor, learn, care, manage, arrange, accept, afford, begin, need, take care, attempt , get, offer, ask, order, invite, force, beg, bear, hate, cause, expect, promise, advise, determine, prefer, teach, allow, permit, forbid, hesitate, encourage, request, require, intend, remind, mean, persuade, neglect, prepare, pretend, propose, regret, trouble, bother, consent, dare, command, instruct, oblige, press, recommend, tempt, prove, turn out,</p> | } + Ø / مفعول + (to + V) |
|--------|---|--|--------------------------|

مثال:

1. I'm trying to learn Spanish.

من دارم تلاش می‌کنم تا زبان اسپانیایی یاد بگیرم.

2. He allowed me to use his books.

او به من اجازه داد تا از کتاب‌هایش استفاده کنم.

I told him not to leave the room without my permission.

فعل دوم به شکل مصدر منفی نیز به کار می‌رود. مثال:

به او گفتم بدون اجازه من اتاق را ترک نکند.

* برای بیان هدف:

He ran fast to catch the bus.

او برای گرفتن اتوبوس سریع دوید.

To catch the bus, he ran fast.

گاهی مصدر در اول جمله قرار می‌گیرد:

He turned off his cellphone not to be disturbed.

مصدر منفی هدف منفی را بیان می‌کند:

موبایلش را خاموش کرد تا مزاحمت ایجاد نشود.

He got up early in order to have time to pack.

به جای "to" مصدری، عبارت‌های "in order to", "so as to" به کار می‌برند:

او صبح زود برخاست تا برای بسته‌بندی کردن وقت داشته باشد.

I moved to a new flat so as to be near my work.

به آپارتمان جدید نقل مکان کردم تا به کارم نزدیک باشم.

I'm going to leave now in order not to / so as not to be late.

هدف منفی به روش زیر بیان می‌شود:

قصد دارم الان حرکت کنم تا دیرم نشود.

In order to have time to pack, he got up early.

عبارت هدف می‌تواند در اول جمله قرار گیرد:

I moved to a new flat so as not to be far away from my work.

* بعد از فعل مجهول.

مثال:

I made John wash my car.

دادم جان اتومبیل را بشوید.

John was made to wash my car.

جان وادار شد اتومبیل را بشوید.

نکته

بعد از "let" فعل دوم در حالت معلوم به شکل ساده به کار می‌رود. معمولاً "let" را نمی‌توان مجهول کرد.

We let the thief go away.

اجازه دادیم دزد برود.

* بعد از اکثر اسامی. تعدادی از آن در زیر آورده شده است:

ability / ambition / anxiety / attempt / decision / demand / desire / eagerness / effort / failure / offer / plan / promise / refuse / request / willingness / wish

مثال:

He doesn't have any ability to do the job.

او توانایی انجام کار را ندارد.

He made an attempt to stand up.

او تلاش کرد تا بلند شود.

* بعد از عبارت‌هایی که با "the next ..., the second..., the first..." و غیره شروع می‌شوند. مثال:

Who was the first man to step down on the moon?

اولین نفری که قدم روی کره ماه گذاشت چه کسی بود؟

The next plane to leave will be at 10 o'clock.

هواپیمای بعدی برای پرواز ساعت ۱۰ خواهد بود.

* بعد از کلمات پرسشی:

He doesn't know where to find a good job.

نمی‌دانم کجا شغل خوبی پیدا کنم.

I must learn how to change the wheel of the car.

باید یاد بگیرم چطوری چرخ ماشین را عوض کنم.

نکته: اگر "when" معنی «کی» یا «چه وقت» بدهد، بعد از آن مصدر به کار می‌رود، ولی اگر معنی «وقتی که» بدهد، بعد از آن "ing" دار به کار می‌رود. مثال:

I don't know when to leave.

نمی‌دانم کی حرکت کنم.

The man fell down when getting off the bus.

مرد زمین خورد وقتی که از اتوبوس پیاده می‌شد.

* بعد از "to be" به عنوان متمم (compliment):

As a student, your duty is to study.

به عنوان دانش‌آموز، وظیفه شما مطالعه کردن است.

در "cleft sentences" (جملات شکافدار) که با عبارتهای زیر شروع می‌شوند، فعل یا به شکل مصدر با "to" و یا به شکل ساده (مصدر بدون "to") به کار می‌رود. مثال:

مصدر (to) + فعل + فاعل / all (that) / the only thing / the first thing
All that I did was (to) touch the window, and it broke.

تمام کاری که من کردم فقط لمس کردن پنجره بود و آن شکست.

✓ فعل دوم بعد از افعال زیر به شکل مصدر بدون "to" (ساده) به کار می‌رود.

«فعل ساده (مصدر بدون to) + somebody + let / have / make + فاعل»

She doesn't let her son go out.

او به پسرش اجازه نمی‌دهد بیرون برود.

I had the mechanic fix my car.

دادم مکانیک اتومبیل را تعمیر کند.

بعد از "why" یا "why not" که جنبه پیشنهاد و نصیحت دارند فعل ساده به کار می‌رود. مثال:

Why pay more at other shops? We have the lowest prices here.

چرا در مغازه دیگر بیشتر بپردازید؟ وقتی که ما این جا پایین ترین قیمت ها را داریم.

Why stand up if you can sit down?

چرا سرپا می‌ایستید در حالی که می‌توانید بنشینید.

Why not take a holiday?

چرا مرخصی نمی‌گیرید؟

بعد از کلمات ربط (than, but, except, or, and) فعل ساده به کار می‌رود. مثال:

I'd like to lie down and go to sleep.

دوست دارم دراز بکشم و بخوابم.

Do you want to have lunch now or wait till later?

آیا می‌خواهید الان نهار بخورید یا برای بعد صبر می‌کنید؟

We had nothing to do except look at the pictures.

ما هیچ کاری نداشتیم انجام بدهیم به جز نگاه کردن به عکس‌ها.

I'll do anything but work on a farm.

هر کاری به جز کار کردن در مزرعه را انجام خواهم داد.

It's easier to persuade people than (to) force them.

متقاعد کردن مردم آسان تر است تا مجبور کردنشان.

✓ فعل "ing" دار یا "gerund" در نقش اسم در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) در نقش فاعلی در اول جمله خبری. مثال:

Driving carelessly is dangerous.

فاعل فعل

ب) در نقش مفعولی در دو مورد زیر به کار می‌رود:

۱- بعد از فعل (مفعول فعل):

مثال:

She enjoys swimming.

فاعل مفعول

افعالی که بعد از آن‌ها فعل دوم به شکل "ing" دار (gerund) به کار می‌رود عبارتند از:

| | | | | |
|--------|-----------------------------|-----------------------------|---------------------------------|-----------|
| + فاعل | admit پذیرفتن | keep ادامه دادن | understand فهمیدن | + V + ing |
| | avoid پرهیز کردن | like* دوست داشتن | appreciate فهمیدن، قدردانی کردن | |
| | deny انکار کردن | mind اهمیت دادن | mention ذکر کردن | |
| | dislike متنفر بودن | miss از دست دادن | excuse معذرت خواهی کردن | |
| | enjoy لذت بردن | risk خطر کردن | forgive بخشیدن | |
| | finish تمام کردن | stop* متوقف کردن | delay به تأخیر انداختن | |
| | imagine تصور کردن | start* شروع کردن | quit ترک کردن | |
| | involve در بر گرفتن | suggest پیشنهاد دادن | discuss بحث کردن | |
| | consider ملاحظه کردن | practice تمرین کردن | hate* متنفر بودن | |
| | try امتحان کردن | spend خرج، سپری کردن | waste اتلاف کردن | |
| | report گزارش دادن | postpone به تعویق انداختن | resist مقاومت کردن | |
| | resent منزجر شدن از | escape فرار کردن | detest بیزار بودن از | |
| | endure تحمل کردن | leave ترک کرد | catch گرفتن | |
| | contemplate اندیشیدن | fancy تصور کردن | regret متأسف بودن | |
| | to be worth ارزش داشتن | to be no good خوبی ندارد | | |
| | to be no use فایده‌ای ندارد | to be used to عادت داشتن به | | |
| | can't help چاره‌ای نداشتن | can't stand تحمل نکردن | | |

مثال:

1. I don't mind losing the job.

به از دست دادن شغل اهمیت نمی‌دهم.

2. He admitted paying the money early.

من پذیرفتم پول را زود بپردازم.

3. My parents really dislike me / my getting up late in the morning.

والدینم از دیر بیدار شدنم هنگام صبح واقعاً متنفرند.

۲- بعد از حروف اضافه (مفعول حرف اضافه). مثال:

او اصرار می کند تا مهمانی را زود ترک کند.

She is insisting on leaving the party early.

مفعول حرف اضافه

۳- بعد از اسامی (nuisance, bother, trouble, problem, difficulty) فعل به شکل "in" دار یا "gerund" به کار می رود. مثال:

Do you have any difficulty getting visa?

آیا در گرفتن ویزا مشکلی داشتید؟

I had a little bother finding your house.

در پیدا کردن خانه شما کم دردسر داشتم.

It's a nuisance having to go back tomorrow.

ملال آور است مجبور بشوید فردا برگردید.

۴- بعد از فعل "go" تعدادی از فعالیت های ورزشی و کارهایی که جنبه تفریح دارند "ing" دار به کار می روند. این فعالیت ها عبارتند از:

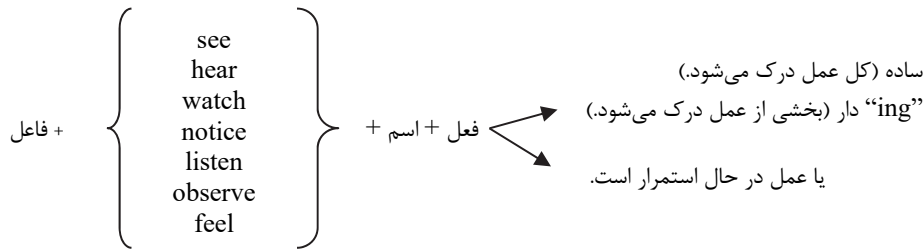
| | | | |
|----------------|-------------|------------|-------------|
| go shopping | go swimming | go skiing | go climbing |
| go fishing | go riding | go sailing | go skating |
| go sightseeing | go hiking | go boating | go dancing |
| go shooting | go hunting | go walking | |

۵- بعد از "no" در تابلوهای بازدارنده و هشداردهنده:

No smoking No parking No fishing No waiting No photographing

✓ بعد از افعال زیر فعل دوم به دو حالت به کار می رود.

این افعال به افعال حسی یا ادراکی معروفند.



مثال:

1. I saw the students play / playing football.

دیدم دانش آموزان فوتبال بازی می کنند.

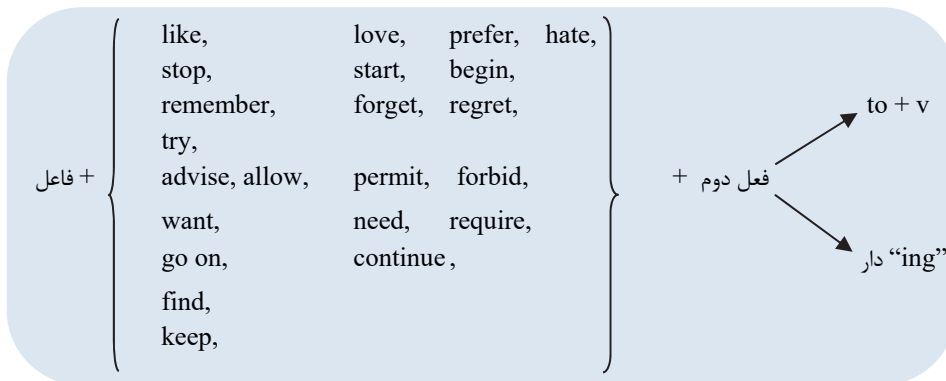
2. I noticed the man enter / entering the bank.

متوجه شدم مرد دارد وارد بانک می شود.

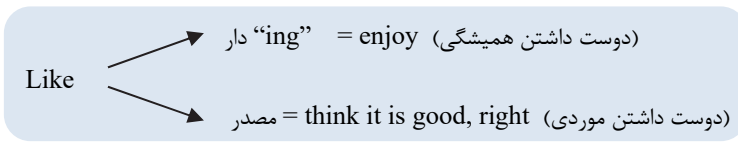
3. I heard them talk / talking about the accident.

شنیدم آن ها دارند در مورد تصادف صحبت می کنند.

بعد از افعال زیر فعل دوم به دو شکل با تفاوت معنایی خاص به کار می رود.



در زیر کاربرد هر یک از افعال بالا و تفاوتشان شرح داده می شود:

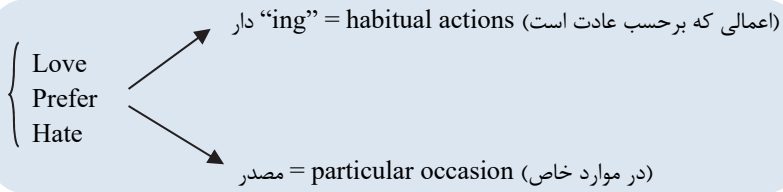


I like walking in the rain.

راه رفتن در باران را دوست دارم. (لذت می برم).

I like to get up early in the morning.

دوست دارم صبح زود بیدار شوم. (موردی).



He always prefers having lunch at home.

او همیشه ترجیح می‌دهد در خانه نهار بخورد.

I prefer to stay at home now.

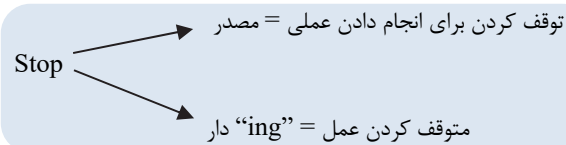
ترجیح می‌دهم الان در خانه بمانم.

I love lying on my back and staring at the sky.

دوست دارم به پشت بخوابم و به آسمان خیره شوم.

I love to come and see you tonight.

دوست دارم امشب بیایم و شما را ببینم.

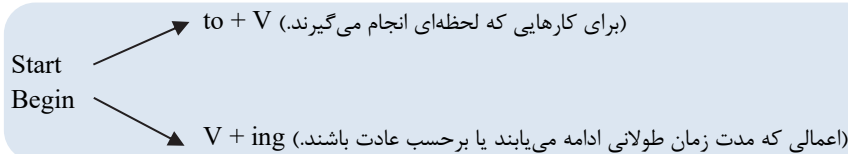


1. I stopped to have tea.

توقف کردم تا چایی بخورم.

2. He stopped laughing.

او خندیدن را متوقف کرد. (نخندید).

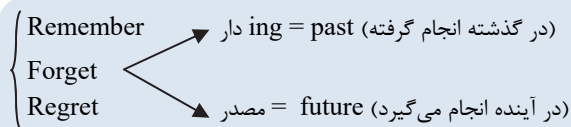


The earth started to shake.

زمین شروع به لرزیدن کرد. (یک لحظه)

He started playing the piano.

او شروع به نواختن پیانو کرد. (زمان طولانی)



1. I remember meeting you for the first time.

اولین باری که تو را دیدم را به یاد دارم.

I remember to bring your book.

یادم است کتابت را بیاورم. (عمل آوردن کتاب در آینده اتفاق می‌افتد.)

2. I never forget meeting you for the first time.

اولین بار که دیدمت را هرگز فراموش نمی‌کنم.

I forgot to bring your book.

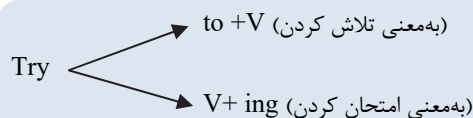
فراموش کردم کتابت را بیاورم.

3. I regret telling her about her mother's death.

از گفتن خبر مرگ مادرش تأسف می‌خورم.

I regret to tell you that we can't employ you.

متأسفم بگویم که نمی‌توانیم شما را استخدام کنیم.

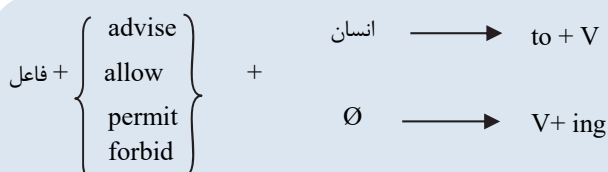


I tried hard to find a job.

سخت تلاش کردم تا شغلی پیدا کنم.

I will try taking that medicine, too.

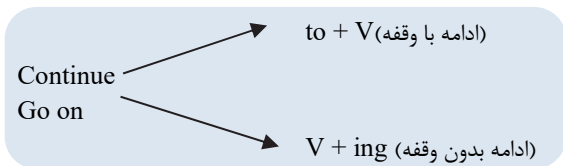
خوردن آن دارو را هم امتحان خواهم کرد.





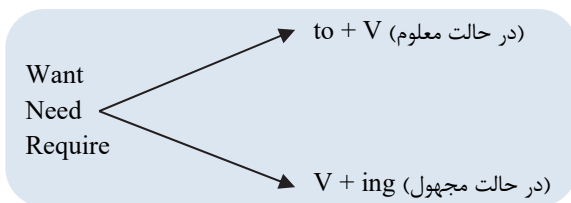
We do not allow you to smoke here.
 We do not allow smoking here.
 I don't advise you to take the car.
 I don't advise taking the car.
 I forbid anyone to touch the clock.
 I forbid touching the clock.

به شما اجازه نمی‌دهیم این جا سیگار بکشید.
 سیگار کشیدن را در این جا اجازه نمی‌دهیم.
 توصیه نمی‌کنم اتومبیل را ببرید.
 بردن اتومبیل را توصیه نمی‌کنم.
 هر کسی را از دست زدن به ساعت منع می‌کنم.
 دست زدن به ساعت را منع می‌کنم.



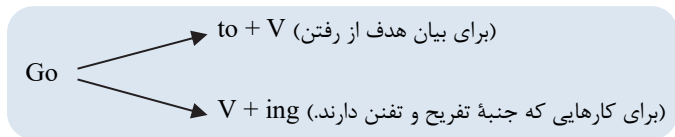
He continued to answer the questions.
 He continued complaining.
 He went on to answer the questions.
 He went on complaining.

او به پاسخ دادن به سؤالات ادامه داد. (با وقفه)
 او به شکایت کردن ادامه داد. (بی وقفه)
 او به پاسخ دادن به سؤالات ادامه داد. (با وقفه)
 او به شکایت کردن ادامه داد. (بی وقفه)



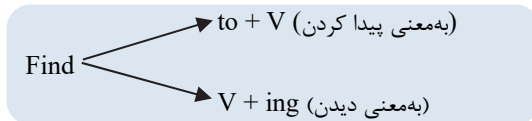
1. He wants to fix his car.
 His car wants fixing. (to be fixed)
 2. We need to paint our house.
 Our house needs painting. (to be painted)

او می‌خواهد اتومبیلش را تعمیر کند.
 اتومبیلش تعمیر می‌خواهد.
 ما لازم است خانه‌مان را نقاشی کنیم.
 خانه ما لازم است نقاشی بشود.



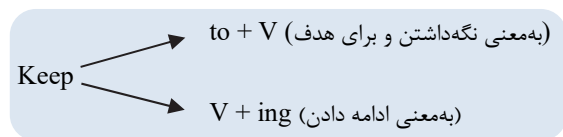
1. I went out to buy some bread.
 I went shopping/ swimming/mountain climbing.

من بیرون رفتم تا مقداری نان بخرم.
 من به خرید/ شنا/ کوهنوردی رفتم.



My mother found nothing to talk to her young children.
 I found him stealing your money.

مادرم چیزی پیدا نکرد تا در موردشان با کودکان کوچکش صحبت کند.
 من او را هنگام دزدیدن پولت دیدم.



He keeps a dog not to be alone.
 He kept talking.

او یک سگ نگاه می‌دارد تا تنها نباشد.
 او به حرف زدن ادامه داد.

جملات سببی (Causative Sentences) ◀

مواردی است که ما قادر به انجام کاری نیستیم، بلکه از شخص دیگری می‌خواهیم که آن کار را برای ما انجام دهد. مانند: اصلاح کردن موی سر، از سلمانی می‌خواهیم که سرمان را اصلاح کند. این فرآیند را در قالب جملات سببی می‌توان مطرح کرد. مثال:

I had the barber cut my hair.

دادم سلمانی سرم را اصلاح کرد.

جملات سببی بر دو نوع است:

(۱) سببی معلوم

(۲) سببی مجهول

الف) جملات سببی معلوم: در این نوع جملات، ما سبب می‌شویم یا برنامه‌ریزی می‌کنیم شخصی برای ما کاری را انجام بدهد. به عبارت دیگر، کننده کار در این نوع جملات مشخص است و این جملات بر اساس دو فرمول زیر با افعال سببی ساخته می‌شوند:

افعال سببی عبارتند از:

Have, make, let, get, force

مفعول + (مصدر بدون to) فعل دوم + کننده کار + (have / let / make) فعل سببی + (مسبب) فاعل (۱)

I had the boy polish my shoes.

دادم آن پسر کفش‌هایم را واکس زد.

(I didn't polish my shoes myself. A boy polished them for me.)

Jane makes a hairdresser cut her hair.

جین می‌دهد سلمانی موهایش را اصلاح می‌کند.

(She doesn't cut her hair herself. A hairdresser cuts it for her.)

نکته اگر فعل سببی مجهول شود، فعل بعد از آن به شکل مصدر باید باشد:

The hairdresser is made to cut her hair.

سلمانی وادار شد موی او را اصلاح کند.

مفعول + (مصدر با to) فعل دوم + کننده کار + (get / force) فعل سببی + (مسبب) فاعل (۲)

I got the boy to polish my shoes.

دادم آن پسر کفش‌هایم را واکس زد.

Jane gets a hairdresser to cut her hair

جین می‌دهد سلمانی موهایش را اصلاح می‌کند.

ب) جملات سببی مجهول: در این نوع جملات کننده کار نامشخص است و مسبب سبب می‌شود (برنامه‌ریزی می‌کند) که کاری انجام بشود و مهم نیست که چه کسی کار را انجام می‌دهد و طبق فرمول زیر ساخته می‌شود:

P.P. + مفعول + فعل سببی + (مسبب) فاعل

Fred washes his car every week.

فرد هر هفته اتومبیلش را می‌شوید.

But this week he doesn't wash his car himself, he asks somebody to wash his car.

بنابراین می‌گوید:

Fred has his car washed.

مثال

I didn't fix my car myself.

من خودم اتومبیلیم را تعمیر نکردم.

I had my car fixed.

دادم اتومبیلیم تعمیر شد.

فعل سببی در واقع فعل اصلی جمله است و تمام تغییرات زمان به وسیله آن نشان داده می‌شود. مثال:

She has her bicycle repaired every six months.

او هر شش ماه یک بار می‌دهد دوچرخه‌اش تعمیر بشود.

She had her bicycle repaired yesterday.

او دیروز داد دوچرخه‌اش تعمیر بشود.

She will have her bicycle repaired next week.

او هفته آینده می‌دهد دوچرخه‌اش تعمیر بشود.

She has had her bicycle repaired since last week.

او از هفته گذشته گذشته داده‌است تا دوچرخه‌اش تعمیر بشود.

نکته برای سؤالی و منفی کردن "have" سببی از فعل کمکی "did, does, do" استفاده می‌کنند.

1. Lisa has the roof repaired.

لیزا داده است که سقف تعمیر بشود.

Does she have the roof repaired?

آیا او داده است که سقف تعمیر بشود؟

2. I had those curtains made.

من دادم که پرده‌ها درست شوند / دوخته شوند.

I didn't have those curtains made.

من ندارم که پرده‌ها درست شوند / دوخته شوند.

- ۱) جملات سببی تنها برای این نیست که ما از کسی بخواهیم کاری را برای ما انجام دهد یا کار انجام بشود، بلکه برای بیان بدشانسی و حوادثی به کار می‌رود که رخ دادنشان در اراده ما نیست. مثال:
I had my money stolen. پولم دزدیده شد.
- ۲) فعل‌های "hear, understand" با ضمائر انعکاسی در ساختار سببی مجهول با فعل "make" به کار می‌روند:
We got / had our roof blown off in the storm last night. دیشب در طوفان سقف خانه ما کنده شد.
- ۳) بعد از فعل سببی "make" صفت یا اسم در نقش متمم (complement) به کار می‌رود:
I don't speak good Japanese, but I can make myself understood. نمی‌توانم ژاپنی خوب صحبت کنم، اما می‌توانم منظور خودم را برسانم.
- ۴) بعد از فعل سببی "get" می‌توان فعل "ing" دار به کار برد. البته وقتی که کسی یا چیزی را وادار کنید تا شروع به انجام کاری کند.
She made everybody happy. او همه را خوشحال کرد.
You have made me a happy man. شما مرا یک مرد خوشبخت کرده‌اید.
- ۵) فعل "get" بیش‌تر برای متقاعد کردن به کار می‌رود.
Don't get him talking about his illnesses. باعث نشوید او در مورد بیماری‌هایش صحبت کند.
- ۶) فعل "get" در این ساختار برای صحبت در مورد کامل شدن کار روی چیزی نیز به کار می‌رود:
I can't get that child to go to bed. نمی‌توانم آن بچه را وادار (متقاعد) کنم برود بخوابد.
- ۷) فعل "have" سببی برای بیان دستور و دستورالعمل نیز به کار می‌رود:
It'll take me another hour to get the washing done. یک ساعت دیگر وقتم را می‌گیرد تا شست‌وشو انجام بشود.
- ۸) بعد از فعل "have" سببی می‌توان فعل "ing" دار به کار برد. در این صورت بر استمرار بودن عمل تأکید می‌شود:
The manager had everybody fill out a form. مدیر دستور داد همه فرم را پر کنند.
- ۹) عبارت "I won't have" به معنی «اجازه نخواهم داد» به کار می‌رود:
He had us laughing all through the meal. او باعث شد همه ما در طول غذا خوردن بخندیم.
- ۱۰) عبارت "I won't have" به معنی «اجازه نخواهم داد» به کار می‌رود:
I looked up and found we had water dripping through ceiling. بالا را نگاه کردم و متوجه شدم که آب از سقف دارد می‌چکد.
- ۱۱) اجازه نخواهم داد به من بگوئید چه کاری را انجام دهم.
I won't have you telling me what to do.
I won't have my house turned into a hotel. اجازه نخواهم داد خانه‌ام به یک هتل تبدیل بشود.

10 پیمانه 27 <

- 261.1- After what the manager said this morning, I didn't dare ... about the problems. (سراسری داخل کشور، ۹۳)
- 1) to tell him 2) telling him 3) he be told 4) him to be told
- 262.2- It's about time you ... thinking about setting up your own business. (سراسری داخل کشور، ۹۳)
- 1) start 2) started 3) have started 4) should start
- 263.3- I'd rather you ... present when we signed the agreement. (سراسری داخل کشور، ۹۴)
- 1) would be 2) had been 3) could be 4) were
- 264.4- The friendly atmosphere of the school (سراسری داخل کشور، ۹۶)
- 1) made there a pleasure studying 2) where it was a pleasure studying
3) made it a pleasure to study there 4) that it was made a pleasure to study there
- 265.5- What's the TV remote control doing in the cupboard? I don't remember (سراسری داخل کشور، ۹۶)
- 1) there I put it 2) there to put it 3) putting it there 4) to put it there
- 266.6- Some religious leaders have declared inaction on environmental issues to be wrong, because it may now be (سراسری داخل کشور، ۹۷)
- 1) a sin considered to pollute the earth 2) considered a sin to pollute the earth
3) polluting the earth a sin to be considered 4) for the earth to pollute to be considered a sin

267.7- It is essential for you and everyone else who has undergone the terrible accident ... such a thing would never happen again. (سراسری داخل کشور نظام قدیم، ۹۸)

- 1) will sure 2) is made sure 3) to make sure 4) that makes sure

268.8- Jim ... he was going to leave the city for the long weekend. (سراسری خارج از کشور، ۹۳)

- 1) heard saying 2) heard to say 3) was heard to say 4) was heard that said

269.9-I was spending more money on the car than ... money on. (سراسری خارج از کشور، ۹۴)

- 1) being worthy to spend 2) its worth to spend
3) it was worthy spending 4) it was worth spending

270.10-I'm sorry, I can't do anything about the central heating myself, but I'm going to ... soon.

(سراسری خارج از کشور، ۹۴)

- 1) have it repair 2) have repaired it
3) have it repaired 4) get it to repair

پیمانه 28

10

271.1- I'd rather you ... anything for tonight, but I suppose it's too late to change things now.

(سراسری خارج از کشور، ۹۴)

- 1) not arrange 2) won't arrange
3) haven't arranged 4) hadn't arranged

272.2- That was so nice of them ... to stay the night.

(سراسری خارج از کشور، ۹۴)

- 1) to ask whether I wanted 2) to ask that I wanted
3) asking that I wanted 4) asking whether to want

273.3-Kosakowski showed that using educational technology for drill and practice in the basic skills can be very effective ... more and more rapidly, using computer-assisted instruction. (سراسری خارج از کشور، ۹۶)

- 1) that students learn 2) for students to be learning
3) and that students learn 4) by students who learn

274.4-We all stayed in our hotel room all the afternoon talking with each other. In that remote area, there was

(سراسری خارج از کشور، ۹۶)

- 1) nothing else for us to do 2) not something else we do that
3) anything else we could do 4) where we could not do anything else

275.5- In May 1953, Edmund Hillary and Tenzing Norgay were the first people ... the summit of Mount Everest, the tallest mountain in the world. (سراسری خارج از کشور، ۹۷)

- 1) reached 2) to reach
3) by reaching 4) they reached

276.6- Having made sure ..., Mary left her home to go on a shopping trip.

(سراسری خارج از کشور، ۹۷)

- 1) was the front door locked 2) the front door locked
3) whether was locked the front door 4) that the front door was locked

277.7- Before we meet in the conference, I would do my best

(سراسری خارج از کشور نظام جدید، ۹۸)

- 1) for an agenda to prepare 2) prepared by an agenda
3) an agenda to be prepared 4) to prepare an agenda

278.8- ... to inform all the managers of the schedule for all the monthly board meetings.

(سراسری خارج از کشور نظام جدید، ۹۸)

- 1) It is the secretary's duty 2) The secretary's duty is there
3) The secretary's duty is that 4) Whenever the secretary has the duty

279.9- Every time I wanted to study a bit, my roommate kept

(سراسری خارج از کشور نظام جدید، ۹۸)

- 1) the radio listening to 2) to listen to the radio
3) and to the radio listened to 4) listening to the radio

280.10- Some greenwashers spend more money advertising their “green” qualities than actually ... ecological practices.

(سراسری داخل کشور، ۹۶)

- | | |
|--------------|---------------|
| 1) do | 2) doing |
| 3) for doing | 4) them doing |



281.1- Limiting the breakfast selection to cold food items will save money and allow us (سراسری خارج از کشور، ۹۹)

- 1) affordable to keep our meal plans
- 2) by keeping affordable our meal plans
- 3) to keep our meal plans are affordable
- 4) to keep our meal plans affordable

282.2- ... able to find a job easily, Johannes decided to improve his knowledge in his own field.

(سراسری داخل کشور، ۱۴۰۰)

- | | |
|---------------|----------|
| 1) For being | 2) To be |
| 3) So that he | 4) Being |

283.3- Socrates, the great Greek philosopher, was ordered

(سراسری داخل کشور، ۱۴۰۰)

- 1) that he himself gave him a poison whose name hemlock
- 2) a poison which was called hemlock he gave to himself
- 3) to himself to give a poison was called hemlock
- 4) to give himself a poison called hemlock

284.4- We talked yesterday and I recommended ... a good quality bicycle rather than a cheap one. (سراسری دی، ۱۴۰۱)

- | | |
|---------------|------------|
| 1) him to buy | 2) him buy |
| 3) buying | 4) to buy |

285.5- At first, he was reluctant, as he has always been a very private person, despite ... in the public eye.

(سراسری داخل کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|----------------------|------------------------|
| 1) he used to be | 2) being used to be |
| 3) his used to being | 4) being used to being |

286.6- When I was in Tehran, I spent ... it, and I didn't even begin to see all of it.

(سراسری داخل کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|---------------------|----------------------------|
| 1) a day to explore | 2) an exploration day to |
| 3) a day exploring | 4) a day of exploration by |

287.7- One of the secrets of remaining in ... choose a diet that is high in fiber and low in fat. (سراسری داخل کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|-------------------|----------------------|
| 1) healthy is | 2) healthy is to |
| 3) good health is | 4) good health is to |

288.8- Parents are welcome to watch as their children learn to scuba dive and enjoy splashing around ... underwater.

(سراسری داخل کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|------------------------|-------------------|
| 1) to make bubbles in | 2) making bubbles |
| 3) bubbles that are in | 4) bubbles to be |

289.9- The security guard caught the thief ... a cell phone from the store the other day. (سراسری خارج از کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|------------------|------------------------|
| 1) shoplifts | 2) shoplifting |
| 3) who shoplifts | 4) while he shoplifted |

290.10- The witness to the murder wanted her name kept secret. She asked not ... identified in the newspaper.

(سراسری خارج از کشور، ۱۴۰۲)

- | | |
|-----------------|----------------|
| 1) to be | 2) being |
| 3) to have been | 4) having been |

Unit 17: Modal Verbs

افعال وجهی

فعل کلمه‌ای است که بر انجام عملی دلالت می‌کند. فعل در انگلیسی بر دو نوع است:

الف) کمکی

ب) اصلی

الف) فعل کمکی: این فعل قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد و از سه نظر به فعل اصلی کمک می‌کند.

۱- برای سؤالی کردن، مثال:

Can they learn English?

۲- برای منفی کردن جمله، مثال:

They don't know English.

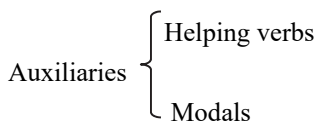
۳- معنی و مفهوم تازه‌ای به فعل اصلی اضافه می‌کند، مثال:

They should stay awake tonight.

آن‌ها باید امشب بیدار بمانند.

“should” معنی «باید» و مفهوم «پیشنهاد» را به جمله اضافه کرد.

این افعال با توجه به سه نقش بالا به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند.



۱- “Helping Verbs”: این افعال برای سؤالی و منفی کردن جمله و صرف کردن فعل در بعضی از زمان‌ها به کار می‌رود و معنی و مفهوم تازه‌ای به فعل

اصلی اضافه نمی‌کنند. مثال:

They don't work.

آن‌ها کار نمی‌کنند. (منفی)

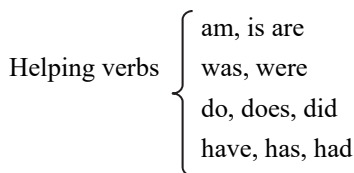
Did they come back ?

آیا برگشتند؟ (سؤالی)

I am learning English.

دارم انگلیسی یاد می‌گیرم. (صرف زمان)

این افعال عبارتند از:



۲- “Modals”: افعالی هستند که به‌تنهایی معنی ندارند و معنی آن‌ها با فعل اصلی کامل می‌شود. از این رو به آن‌ها افعال ناقص یا وجهی هم می‌گویند.

They should.

(آن‌ها باید.)

در این جمله فعل وجهی “should” بدون فعل اصلی معنی ندارد.

با اضافه کردن فعل اصلی، “should” معنی پیدا می‌کند و معنی «باید» که مفهوم پیشنهاد کردن دارد را به فعل اصلی اضافه می‌کند.

او باید به دکتر مراجعه کند.

He should see a doctor.

بعد از “Modals” فعل اصلی به دو شکل به کار می‌رود:

ساده (مصدر بدون “to”)

He must keep this a secret.

مصدر کامل:

I've lost one of my gloves. You must have dropped it somewhere.

| MODALS | معنی و مفهوم | زمان | مثال |
|---------------------|---|-------------|--|
| Can | توانستن، داشتن فرصت انجام عملی | حال و آینده | It's hot. We can swim now. هوا گرم است. می‌توانیم الان شنا کنیم. It's cold. We cannot / can't swim now. هوا سرد است. الان نمی‌توانیم شنا کنیم. |
| Could | توانستن، داشتن فرصت انجام عملی | گذشته | The shop was closed, and I couldn't buy anything. مغازه بسته بود و من نتوانستم چیزی بخرم. |
| Will | انجام عملی در آینده | آینده | We will leave the town next week. هفته آینده شهر را ترک خواهیم کرد. |
| Would | مایل بودن عادت داشتن | گذشته | Nobody would speak to me. هیچ‌کس مایل نبود با من صحبت کند. When I was a kid, my mother would tell me stories. وقتی بچه بودم، مادرم برای من قصه می‌گفت. |
| Shall * | انجام عملی در آینده | آینده | I/ We shall come back tonight. من / ما امشب برمی‌گردم / برمی‌گردیم. |
| Should | باید (اجبار ضعیف، پیشنهاد) | حال و آینده | "I have an exam." «امتحان دارم.» "You should study hard." «شما باید سخت درس بخوانید.» "It's cold." «هوا سرد است.» "You should put on a coat." «شما باید کت بپوشید.» |
| May | ممکن بودن (احتمال قوی) | آینده | He may arrive home at noon. او به احتمال قوی سر ظهر به خانه می‌رسد. |
| Might * | ممکن بودن (احتمال ضعیف) | آینده | He might arrive home at noon. او به احتمال ضعیف سر ظهر به خانه می‌رسد. |
| Must | باید: (۱) اجبار قوی (۲) نتیجه‌گیری منطقی | حال و آینده | I have an exam tomorrow, and I must study hard. فردا امتحان دارم و باید سخت درس بخوانم. "John's eyes are red." «چشم‌های جان قرمز است.» "He must be tired." «او باید خسته باشد.» |
| Have to * Has to | مجبور بودن | حال و آینده | We have to learn English. ما مجبوریم انگلیسی یاد بگیریم. She has to learn English. او مجبور است انگلیسی یاد بگیرد. |
| Had to * | مجبور بودن | گذشته | He had to work hard when she was only ten. او مجبور بود سخت کار کند وقتی که ده سالش بود. |
| Ought to * | باید (اجبار ضعیف، پیشنهاد) | حال و آینده | "I like to go to university." «دوست دارم دانشگاه بروم.» "You ought to study hard." «شما باید سخت درس بخوانید.» |
| Used to * | (۱) عادت داشتن (عادت ترک‌شده) (۲) یک زمانی (پدیده‌ای که دیگر نیست) | گذشته | He used to smoke a lot. او عادت داشت (یک زمانی) زیاد سیگار بکشد. This building is now a shop. It used to be a cinema. این ساختمان حالا یک مغازه است. آن یک زمانی سینما بود. |
| Be going to * | قرار است، قصد داشتن | آینده نزدیک | He is going to leave for London tonight. او قرار است این‌جا را به‌طرف لندن امشب ترک کند. |
| Be able to | قادر بودن | حال | "Can you repair the car for me?" «آیا می‌توانید خودرو را برای من تعمیر کنید؟» "Oh, yes, I am able to repair it." «اوه، بله، قادرم آن را تعمیر کنم.» |
| Would rather * | ترجیح دادن | حال و آینده | I would rather die than beg. ترجیح می‌دهم بمیرم تا گدایی کنم. |
| Had better * | بہتر است (برای نصیحت) | حال و آینده | You had better buy that house today. شما بهتر است آن خانه را امروز بخرید. |
| Need * | لازم بودن (برای ضرورت) | حال و آینده | You needn't help her. شما لازم نیست به او کمک کنید. |
| Dare * | جرات داشتن | حال و آینده | I daren't tell him what happened. جرات نمی‌کنم به او بگویم چه اتفاقی افتاد. |
| Be to | قرار است، باید | آینده | He is to visit us next week. او قرار است هفته آینده ما را ببیند. You are to do your homework in ink. شما قرار است (باید) تکالیفتان را با مرکب بنویسید. |

* فعل کمکی "shall" با فاعل‌های "I" و "we" به کار می‌رود و مانند "will" اشاره به آینده می‌کند. ستاره‌دار بیش‌تر توضیح داده می‌شوند: "Modals"

I / We shall come back tonight.

"shall" با سایر فاعل‌ها برای وعده و تهدید به کار می‌رود:

You shall have an answer by tomorrow.

قول می‌دهم تا فردا به شما پاسخ داده می‌شود.

He shall suffer for this!

او برای این عذاب خواهد دید!

فعل کمکی "might" در جملات نقل قول گذشته "may" محسوب می‌شود. در بقیه موارد اشاره به احتمال ضعیف در آینده می‌کند.

He said he might come to the party.

او گفت ممکن است به مهمانی بیاید.

نکته

برای سؤالی و منفی کردن فعل کمکی "have to"، "has to" و "had to" از فعل‌های کمکی "did, does, do" استفاده می‌کنند.

Do you have to see a doctor?

آیا مجبورید به دکتر مراجعه کنید؟

He doesn't have to see a doctor.

او مجبور نیست به دکتر مراجعه کند.

Did he have to leave the town last night?

آیا او مجبور بود دیشب شهر را ترک کند؟

تفاوت بین "must" و "have to"

- "must" اجبار خودجوش (internal obligation) ولی "have to" اجبار بیرونی (external obligation) را بیان می‌کند.

I must stop smoking. (I want to.)

من باید سیگار را ترک کنم. (من می‌خواهم ترک کنم.)

I have to stop smoking. (Doctor's order)

مجبورم سیگار را ترک کنم. (دستور دکتر است.)

- "must" اجبار و ضرورت بر اساس نظر شخصی را بیان می‌کند، ولی "have to" اجبار بر اساس واقعیت موجود را بیان می‌کند:

Mark is really a nice person. You must meet him.

مارک واقعاً آدم خوبی است. شما باید او را ببینید. (نظر شخصی)

I have to work from 8:30 to 5:30 every day.

من مجبورم از ساعت ۸/۳۰ تا ۵/۳۰ هر روز کار کنم. (یک واقعیت)

- "must" برای نتیجه‌گیری بر اساس شواهد موجود به کار می‌رود:

Emily keeps crying. She must have a problem.

امیلی به گریه کردن ادامه می‌دهد. او باید مشکلی داشته باشد.

- "must" برای بیان اجبار از روی دستورالعمل و مقررات مکتوب به کار می‌رود:

Applications for the job must be received by 18 May.

تقاضانامه‌ها برای شغل باید تا ۱۸ می دریافت شوند.

* "ought to" مترادف "should" است و با همان معنی و مفاهیم به کار می‌رود.

"I have a cold."

"You ought to see a doctor."

You ought not to forget your medicine.

به شکل منفی آن توجه کنید:

* "used to" برای سؤالی و منفی کردن از "did" کمک می‌گیرد. در این صورت "used to" به "did...use to" تبدیل می‌شود.

Did he use to smoke?

No, he didn't use to smoke.

* "would rather" برای ترجیح دادن به کار می‌رود و حالت منفی آن "would rather not" است. مثال:

I would rather go to the park.

ترجیح می‌دهم به پارک بروم.

I would rather not go to the park.

ترجیح می‌دهم به پارک نروم.

"would rather" با "than" برای بیان ترجیح دادن عملی بر عملی دیگر به کار می‌رود.

She would rather die than lose her child.

او ترجیح می‌دهد بمیرد تا بچه‌اش را از دست بدهد.

فعل بعد از "than" نیز به شکل ساده به کار می‌رود.

اگر انجام عملی برای شخص دیگری ترجیح داده شود از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

فعل + فاعل + would rather + فاعل

نکته

فعل گذشته برای اشاره به زمان حال و آینده و فعل گذشته کامل برای اشاره به زمان گذشته به کار می‌رود. مثال:

I would rather you went home now.

ترجیح می‌دهم حالا به خانه بروید.

I would rather you hadn't done that.

ترجیح می‌دهم که آن کار را انجام نمی‌دادید.

”would rather“ برای اشاره به گذشته با مصدر کامل به کار می‌رود.

Adam and Eve would rather have stayed in the Garden of Eden than been expelled from it.

آدم و حوا ترجیح می‌دادند در باغ بهشت بماند تا از آن رانده شوند.

”had better“: برای منفی کردن ”had better“ کافی است ”not“ را قبل از فعل اصلی به کار برد.

You had better study hard.

بهتر است سخت مطالعه کنید.

You had better not study hard.

بهتر است سخت مطالعه نکنید.

”need“ هم فعل کمکی است و هم فعل اصلی.

وقتی فعل کمکی است در زمان صرف نمی‌شود، یعنی نه ”s“ سوم شخصی می‌گیرد و نه ”ed“ گذشته. هم‌چنین در حالت منفی و سؤالی به کار می‌رود. مهم‌تر از همه، فعل بعد از آن مصدر بدون ”to“ است. مثال:

You needn't try to explain it.

لازم نیست تلاش کنید آن را توضیح دهید.

Need we leave now?

آیا لازم است الان برویم؟

No, you needn't.

نه، لازم نیست.

Need we leave now?

برای پاسخ مثبت به ”need“ از ”must“ یا ”have to“ استفاده می‌کنیم:

Yes, we have to / must leave now.

وقتی ”need“ فعل اصلی است، در زمان صرف می‌شود و با کمکی ”do“ منفی و سؤالی می‌شود. مثال:

We need to get a visa for America.

ما احتیاج داریم برای آمریکا ویزا بگیریم.

Do you need a visa for America?

آیا احتیاج داریم برای آمریکا ویزا بگیریم؟

Yes, we do.

No, we don't.

”dare“ هم فعل کمکی است و هم فعل اصلی.

وقتی فعل کمکی است در زمان صرف نمی‌شود. یعنی نه ”s“ سوم شخصی می‌گیرد و نه ”ed“ گذشته. هم‌چنین در حالت منفی و سؤالی به کار می‌رود و فعل بعد از آن مصدر بدون ”to“ می‌باشد. مثال:

You daren't tell him the truth.

شما جرأت نمی‌کنید واقعیت را به او بگویید.

Dare you leave your work early?

آیا جرأت می‌کنید کارتان را زود ترک کنید؟

No, we daren't.

نه، جرأت نمی‌کنیم.

وقتی ”dare“ فعل اصلی است، در زمان صرف می‌شود و با کمکی ”do“ منفی و سؤالی می‌شود. مثال:

He doesn't dare to tell what he knows.

او جرأت نمی‌کند آن چه را که می‌داند بگوید.

Do you dare to tell what you know?

Yes, I do.

No, I don't.

عبارت ”don't you dare“ برای ممانعت افراد از انجام عملی به کار می‌رود. مثال:

The son: Mummy, can I draw on the wall?

پسر: «مامان، آیا می‌توانم روی دیوار نقاشی کنم؟»

Mummy: Don't you dare.

مامان: «جرأت نداری.»

و عبارت ”dare say“ به معنی «به جرأت می‌توانم بگوییم» به کار می‌رود. مثال:

I dare say it'll rain soon.

به جرأت می‌توانم بگویم که به زودی باران می‌بارد.

کاربرد ”Modals“ با مصدر کامل:

۱) ساختار ”must + have + p.p.“:

در این ساختار ”must“ به معنی «باید» فقط برای استنتاج به کار می‌رود و نشان می‌دهد که ما با توجه به شواهد موجود نتیجه‌گیری می‌کنیم که یقیناً عملی در گذشته انجام گرفته‌است.

”The money is not in my pocket.“

«پول تو جیبم نیست.»

”It must have fallen out.“

«باید بیرون افتاده باشد.»

در این ساختار شکل منفی ”must“ دو حالت است:

۱) ”can't“ , ”couldn't“. مثال:

Sarah hasn't contacted me. She can't have got my message.

سارا با من تماس نگرفته‌است. او نمی‌تواند پیام مرا گرفته باشد.

۲) ”must not“. مثال:

Jack looks quite depressed. He must not have passed the exam.

جک نسبتاً افسرده به نظر می‌رسد. او باید در امتحان قبول نشده باشد.

۲) ساختار ”can have p.p.“ در این ساختار ”can“ برای استنتاج به کار می‌رود و احتمال وقوع عملی در گذشته را بیان می‌کند.

He's two hours late. What can have happened?

او دو ساعت دیر کرده‌است. چه اتفاقی می‌تواند افتاده باشد؟

این ساختار غالباً در جملات سؤالی و منفی به کار می‌رود:

Where can John have put the matches?

کجا جان می‌تواند کبریت را گذاشته باشد؟

He can't have thrown them away.

او نمی‌تواند آن‌ها را دور انداخته باشد.

- "can't have p.p." در این ساختار "can't" برای نتیجه‌گیری منفی به کار می‌رود.

John can't have done that. He was with me at that time.

جان نمی‌تواند آن کار را انجام داده باشد. او در آن زمان با من بود.

۳ ساختار "should + have + p.p.":

در این ساختار "should" به معنی «باید» برای ابراز پشیمانی به کار می‌رود و نشان می‌دهد که باید در گذشته کاری را انجام می‌دادیم که ندادیم. مثال:

You missed a great party last night. You should have come. Why didn't you?

دیشب مهمانی بزرگی را از دست دادید. باید می‌آمدید. چرا نیامدید؟

(استنباط ما از جمله بالا این است که در گذشته باید کاری انجام می‌شد که نشده‌است.)

شکل منفی این ساختار نیز اشاره می‌کند به عدم اجبار در گذشته با این مفهوم که نباید کاری را انجام می‌دادیم که انجام داده‌ایم.

I'm feeling sick. I shouldn't have eaten so much.

دارد حال بد می‌شود. نباید خیلی زیاد غذا می‌خوردم. (زیاد خورده‌است.)

۴ "ought to + have p.p." با همان مفهوم "should have p.p." به کار می‌رود.

You ought to have helped your mother with the housework yesterday.

شما دیروز باید در کار خانه به مادرتان کمک می‌کردید.

شکل منفی آن:

You ought not to have left the door unlocked when we left the house.

شما نباید در را قفل نکرده رها می‌کردید وقتی که خانه را ترک می‌کردیم.

۵ "needn't have p.p." برای بیان عدم ضرورت در گذشته به کار می‌رود و نشان می‌دهد که نباید کاری در گذشته انجام می‌شد که شده‌است. مثال:

We needn't have bought that much food. Only ten people came.

لازم نبود آن همه غذا بخریم. فقط ده نفر آمدند. (نبايد انجام می‌شد که شده)

۶ ساختار "could + have + p.p.":

"could" در این ساختار توانایی در گذشته را بیان می‌کند. با این مفهوم که ما در گذشته فرصت و توانایی انجام عملی را داشتیم، ولی از این فرصت و توانایی

استفاده نکردیم. مثال:

I could have passed the driving test.

می‌توانستم در امتحان رانندگی قبول شوم.

این جمله نشان می‌دهد که من می‌توانستم قبول بشوم، ولی نشدم.

در این ساختار "could" برای بیان احتمال نیز به کار می‌رود با این مفهوم که احتمال می‌دهیم عملی ممکن بود در گذشته رخ دهد که نداده‌است.

The doors of the car are open. Someone could have stolen it.

درهای خودرو باز هستند. کسی می‌توانست آن را بدزد. (احتمال دزدی در گذشته بود ولی رخ نداد.)

- "couldn't have p.p." برای نتیجه‌گیری منفی به کار می‌رود. (به "must have + p.p." مراجعه کنید.)

۷ ساختار "may / might + have + p.p.":

در این ساختار "may / might" به معنی «ممکن بودن» برای استنتاج به کار می‌رود و به احتمال انجام کاری در زمان گذشته اشاره می‌کند. یعنی با توجه به

شرایط موجود نتیجه‌گیری می‌کنیم که عملی در زمان گذشته احتمالاً انجام گرفته باشد. مثال:

"I can't find my phone anywhere."

تلفنم را هیچ جا نمی‌توانم پیدا کنم.

"You might have left it at work."

ممکن است آن را سر کار گذاشته باشید.

شکل منفی آن بیانگر این است که احتمال می‌دهیم که عملی در گذشته انجام نگرفته‌است. مثال:

"John didn't come to the party."

«جان به مهمانی نیامد.»

"He might not have known about it."

«احتمالاً از آن خبر نداشته‌است.»

291.1- The guards ... the cellars but they didn't.

(سراسری داخل کشور، ۹۱)

- 1) can't have checked
- 2) must have checked
- 3) needn't have checked
- 4) ought to have checked

292.2- I knew there wouldn't be a test, so I ... I watched TV instead.

(سراسری داخل کشور، ۹۲)

- 1) needn't to study
- 2) needn't have studied
- 3) didn't need to study
- 4) didn't need to have studied

293.3- I ... him a long time ago; both his name and face are very familiar.

(سراسری داخل کشور، ۹۴)

- 1) could meet
- 2) might meet
- 3) may have met
- 4) should have met

294.4- I ... the day off from work last month. Now I'm even more behind.

(سراسری داخل کشور، ۹۵)

- 1) couldn't take
- 2) mustn't have taken
- 3) shouldn't have taken
- 4) might be taking

295.5- After her sister's death, we blamed him because we thought he ... something to save her but he simply didn't do a thing and just waited until her sister was swallowed by the pool water.

(سراسری داخل کشور، ۹۷)

- 1) must have done
- 2) should be doing
- 3) might be doing
- 4) could have done

296.6- You ... that film last week. It was only released yesterday.

(سراسری خارج از کشور، ۹۳)

- 1) couldn't see
- 2) can't have seen
- 3) shouldn't have seen
- 4) didn't need to see

297.7- We on the beach now if we hadn't missed the plane.

(سراسری خارج از کشور، ۹۴)

- 1) may lie
- 2) could be lying
- 3) might have lain
- 4) would have lain

298.8- We ... that apartment, but we decided it wasn't the best option.

(سراسری خارج از کشور، ۹۵)

- 1) must have rented
- 2) should rent
- 3) could have rented
- 4) might rent

299.9-The killer had left no trace behind, making us believe that he/she ... the crime based on a carefully devised plan.

(سراسری خارج از کشور، ۹۶)

- 1) should have committed
- 2) had to be committing
- 3) might be committing
- 4) must have committed

300.10-It's his fault she left him; he ... have been nicer to her.

(سراسری خارج از کشور نظام قدیم، ۹۸)

- 1) must
- 2) could
- 3) should
- 4) might

301.1-She had lived her childhood life with no support of a protective father and later decided to dedicate herself and her life ... single-parent children. (آزمون کانون ۷ مہر، ۱۴۰۲)

- 1) to help
2) helping
3) having helped
4) to helping

302.2-Be careful with the kind of the job The only thing that is very important is your health which may begin to fail under the heavy pressures of the job. (آزمون کانون ۷ مہر، ۱۴۰۲)

- 1) with which you are going to be involved
2) that you are going to get involving in
3) which you are going to be involved
4) you are going to get involved in

303.3-Management has requested that Rachel, one of the most dedicated and hard-working employees, ... social media for personal purposes during work hours. (آزمون کانون ۷ مہر، ۱۴۰۲)

- 1) doesn't use
2) not be used
3) hadn't used
4) not use

304.4-Desire is the key to motivation, but ... determination and commitment to an unrelenting pursuit of your goal, a commitment to excellence, that will enable you to attain the success you seek. (آزمون کانون ۱۹ آبان، ۱۴۰۲)

- 1) its
2) our
3) your
4) it's

305.5-Steamboats are used to transport people to various destinations along ... Mississippi River now.

(آزمون کانون ۱۹ آبان، ۱۴۰۲)

- 1) which is called
2) which called the
3) what is called the
4) what people call

306.6-... individuals lack awareness of the issue, the new government needs to raise awareness so as to gain people's trust. (آزمون کانون ۱۹ آبان، ۱۴۰۲)

- 1) While
2) Because of
3) Since
4) Although

307.7-Only when ... from their secret sanctuaries to begin their nightly activities under the shroud of darkness.

(آزمون کانون ۱۸ اسفند، ۱۴۰۲)

- 1) does the sun set behind the distant hills the nocturnal creatures cautiously emerge
2) the sun sets behind the distant hills the nocturnal creatures cautiously emerge
3) the sun sets behind the distant hills do the nocturnal creatures cautiously emerge
4) does the sun set behind the distant hills do the nocturnal creatures cautiously emerge

308.8-In the heart of the bustling city, beneath the towering skyscrapers, ..., where serenity prevails amidst the chaos, offering a refuge for weary souls seeking tranquility. (آزمون کانون ۱۸ اسفند، ۱۴۰۲)

- 1) a hidden garden lies
2) which lies a hidden garden
3) in which a hidden garden lies
4) lies a hidden garden

309.9-According to the statistics, not two years ago ... in the top five stadiums in England, solidifying its status as one of the most iconic and magnificent football fields in the world. (آزمون کانون ۱۸ اسفند، ۱۴۰۲)

- 1) has Stamford Bridge been ranked
2) was ranked Stamford Bridge
3) was Stamford Bridge to be ranked
4) Stamford Bridge was ranked

310.10-Only after the detailed mural was completed did the exhausted artist, having worked on it for weeks, finally ... what a tremendous task he had accomplished. (آزمون کانون ۱۶ فروردین، ۱۴۰۳)

- 1) realize
2) realizing
3) had realized
4) realized

سؤالات واژگان همواره بخشی جداناپذیر از آزمون‌های زبان انگلیسی در تمامی سطوح می‌باشند. کنکور منحصراً زبان نیز از این قاعده مستثنی نیست و از ۷۰ سؤال این آزمون، ۱۵ سؤال آن را مبحث واژگان تشکیل داده است. این سؤالات با هدف سنجش میزان تسلط زبان‌آموز بر لغات زبان انگلیسی طراحی می‌شوند. معمولاً در پاسخگویی به این سؤالات دانش گرامری کمکی به ما نمی‌کند؛ این بدان معناست که در بسیاری از مواقع بدون نیاز به خواندن کل سؤال می‌توان به سؤالات واژگان پاسخ داد. به‌طور مثال در کنکور منحصراً زبان ۹۸ داخل کشور (نظام جدید) ۱۰ سؤال از ۱۵ سؤال را می‌توان بدون خواندن کل سؤال پاسخ داد. تنها راز و رمز پاسخگویی به این سؤالات تسلط بر همایندهای (collocations) کلمات است. همایندهای یک کلمه، مجموعه کلماتی هستند که غالباً با آن کلمه در جملات استفاده می‌شوند. در قالب یک مثال فارسی بیابید این مفهوم را فرا بگیرید. به جمله زیر دقت کنید:

من از شما سپاسگزارم که شرایط را برای من ...

ما به‌عنوان یک فارسی زبان بدون هیچ تأملی جای خالی را با افعالی مانند: «فراهم کردید / مهیا کردید / آماده کردید» پر می‌کنیم، چرا که می‌دانیم افعالی که به‌عنوان همایند با کلمه «شرایط» می‌آیند کدامند. تسلط بر چنین مواردی در زبان انگلیسی نیز باعث می‌شود ما نیازی به خواندن کل سؤال برای پاسخگویی به سؤالات نداشته باشیم. کفایت به کلمات اطراف جای خالی دقت کنیم تا به کمک همایندها پاسخ را بیابیم. به مثال زیر از کنکور منحصراً زبان ۹۸ دقت کنید:

Scientists are convinced that the earth's temperature is rising and place the ... on the buildup of greenhouse gases in the atmosphere.

- 1) blame 2) destiny 3) catastrophe 4) deficiency

برای پاسخگویی به این سؤال تنها کفایت بدانیم که ما همایند زیر را داریم:

“place the blame on sth/sb” (تقصیر را بر گردن کسی یا چیزی انداختن / مقصر دانستن چیزی یا کسی)

یعنی هیچ نیازی به خواندن کل سؤال و اتلاف زمان بر سر تعداد زیادی کلمه و ساختار گرامری ناآشنا نداریم. پس بهترین راه این است که وقتی کلمه‌ای را یاد می‌گیریم، همایندهای رایج آن را نیز یاد بگیریم. همایندها می‌توانند صفات، افعال، حروف اضافه و غیره مربوط به اسم باشند. به‌طور مثال:

When the slum property has been evacuated, it will be knocked down and ... by modern blocks of apartments.

(منحصراً زبان ۹۸)

- 1) converted 2) enhanced 3) retired 4) replaced

برای پاسخگویی به این سؤال به حرف اضافه “by” دقت کنید که در میان گزینه‌ها تنها به‌همراه فعل “replace” به‌کار می‌رود:

converted into , enhance , retired from , replaced by/with

البته گاهی ناچار به خواندن سؤال می‌شویم و این موضوع وقتی اتفاق می‌افتد که بیش از یک گزینه با همایندهای اطراف جای خالی سازگار باشند. در این صورت ناچار به درک معنای کل جمله هستیم.

It was very difficult for Dan to hide his ... when he was rejected by the law school.

(منحصراً زبان ۹۲)

- 1) disappointment 2) pretension 3) inaction 4) boredom

با توجه به کلمه “hide” هر دو گزینه «۱» و «۴» می‌تواند پاسخ باشد، پس ناچاریم کل جمله را بخوانیم:

برای دن سخت بود که دلسردهی خودش را پنهان کند، وقتی که از سوی مدرسه حقوق رد شد. (گزینه «۱»)

Having so many muscles, it was ... for the bodybuilder to lift a heavy box over his head.

(منحصراً زبان ۹۷)

- 1) doubtful 2) efficient 3) effortless 4) impractical

در این مثال با توجه به ساختار “It was ...” هر ۴ گزینه با جای خالی سازگار هستند. بنابراین باید به معنای کل جمله رجوع کنیم:

به‌خاطر داشتن ماهیچه‌های زیاد، برای بدنساز بی‌دردسر بود که یک جعبه سنگین را به بالای سرش ببرد. (گزینه «۳»)

پس راهکار اصلی در پاسخگویی به سؤالات واژگان باید ابتدا توجه به کلمات اطراف جای خالی و یافتن همایند مناسب برای آن‌ها باشد و در درجه دوم باید به سراغ بررسی معنای کل جمله برویم.

با توجه به اهمیت مبحث همایندها در ادامه به ارائه مجموعه‌ای از همایندها به تفکیک نوع آن‌ها می‌پردازیم که در سال‌های اخیر در کنکور منحصراً زبان مورد استفاده قرار گرفته است.

| همایند | معنا |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| 1. be entitled to do sth (90) | ۱. حق انجام کاری داشتن |
| 2. extend lease (90) | ۲. تمدید مدت اجازه |
| 3. pursue hobbies and interests (90) | ۳. دنبال کردن سرگرمی‌ها و علایق |
| 4. retrieve information (90) | ۴. بازیابی اطلاعات |
| 5. inspire sb to do sth (90) | ۵. الهام‌بخش کسی بودن |
| 6. reveal sb's attitude (90) | ۶. نگرش کسی را معلوم کردن |
| 7. promote the confidence (91) | ۷. افزایش دادن اعتماد بنفس |
| 8. be vital to do sth (91) | ۸. ضرورت داشتن انجام کاری |
| 9. sth is required to do sth (91) | ۹. لزوم چیزی برای انجام کاری |
| 10. authorize sb to do sth (92) | ۱۰. اجازه دادن به کسی |
| 11. enroll in a program (92) | ۱۱. ثبت‌نام کردن در یک برنامه |
| 12. maintain a balance (93) | ۱۲. حفظ کردن تعادل |
| 13. be diagnosed with a disease (93) | ۱۳. تشخیص داشتن یک بیماری |
| 14. foresee the future (93) | ۱۴. پیش‌بینی کردن آینده |
| 15. clarify the meaning (93) | |

16. sth portrays sth/sb as (93)
17. dispute the facts (94)
18. face a dismal future (95)
19. transfer sth to the next generation (96)
20. detach yourself from sth (97)
21. overcome a problem (98)
22. bother to do sth (98)
23. stick in sb's mind (98)

24. controversial plan (91)
25. dynamic jobs (91)
26. illegible handwriting (92)
27. accurate forecast (93)
28. severe weather (93)
29. transitional phase (93)
30. first/last resort (93)
31. solid proof (94)
32. vulnerable position (94)
33. preventive medicine (94)
34. unrealistic ambition (94)
35. mutual respect (95)
36. floating ice (97)
37. innovative features (98)
38. busy schedule (98)
39. touching story (98)
40. sedentary lifestyle (98)
41. exhaustive experience (98)
42. contrasting values (98)
43. higher education (98)
44. invaluable qualities (98)
45. relatively high (90)
46. increase considerably (91)
47. sufficiently high (91)
48. use sth effectively (93)
49. dramatically impair (93)
50. do sth instinctively (94)
51. resolve an issue peacefully (95)
52. perform enthusiastically (96)
53. study intensely (96)
54. seriously ill (97)
55. borrow heavily (98)
56. highly respected (98)
57. deliberately seek to do sth (98)
58. invasive procedures (98)
59. in the long run (91)
60. have aptitude for sth (93)
61. relevant to sth (93)
62. ask for input from sb (94)
63. deduce sth from sth (94)
64. adapt to the surrounding (95)
65. assign sb to groups (95)
66. attribute sth to sth (96)
67. participation in sth (96)
68. suspicious of (96)
69. indifferent to (96)
70. contemporary with (96)
71. consent to sth (96)
72. compensate for sth (96)
73. correspond to sth (96)
74. a forecast for sth (97)
75. a reference to sth (97)
76. an embarrassment to sb (97)
77. an exploration for (97)
78. a matter for sth (98)
79. be superior to sth (98)
80. eat/drink to excess (98)
81. by heart (98)
82. exchange sth for sth (98)
83. contrary to sth (98)
84. proud of sth (98)
85. appropriate for (98)
86. radiate from (98)
87. devote sth to sth (98)
88. replaced by/with (98)
89. unique to somewhere (98)

۱۵. روشن کردن منظور
۱۶. مجسم کردن کسی به‌عنوان
۱۷. انکار کردن حقایق
۱۸. رویه‌رو شدن با یک آینده تاریک
۱۹. انتقال چیزی به نسل بعد
۲۰. جداسازی خود از چیزی
۲۱. غلبه کردن بر یک مشکل
۲۲. زحمت انجام کاری را کشیدن
۲۳. در ذهن کسی ماندن
۲۴. برنامه جنجالی
۲۵. مشاغل پرتحرک
۲۶. دست‌خط ناخوانا
۲۷. پیش‌بینی درست
۲۸. هوای بد
۲۹. مرحله انتقالی
۳۰. اولین/آخرین پناه
۳۱. مدرک محکم
۳۲. موقعیت آسیب‌پذیر
۳۳. داروی پیشگیرانه
۳۴. رویای غیرواقعی
۳۵. احترام دو طرفه
۳۶. یخ شناور
۳۷. ویژگی‌های نوآورانه
۳۸. برنامه شلوغ
۳۹. داستان تکان‌دهنده
۴۰. سبک زندگی کم‌تحرک
۴۱. تجربه زیاد و کامل
۴۲. ارزش‌های مغایر
۴۳. تحصیلات عالی
۴۴. ویژگی‌های ارزشمند
۴۵. نسبتاً بالا
۴۶. به‌شکل قابل‌ملاحظه‌ای زیاد شدن
۴۷. به اندازه کافی زیاد
۴۸. استفاده مؤثر کردن از چیزی
۴۹. به‌شدت آسیب زدن
۵۰. به‌طور غیرارادی انجام دادن
۵۱. حل کردن یک مشکل به‌شکل مسالمت‌آمیز
۵۲. با شور و هیجان اجرا کردن
۵۳. به‌طور دقیق مطالعه کردن
۵۴. به‌شدت بیمار
۵۵. زیاد قرض کردن
۵۶. بسیار محترم
۵۷. عمداً به‌دنبال انجام کاری بودن
۵۸. فرایندهای شامل برش بدن (جراحی)
۵۹. در بلند مدت
۶۰. استعداد داشتن برای چیزی
۶۱. مربوط به چیزی
۶۲. درخواست اطلاعات و راهنمایی از کسی
۶۳. نتیجه‌گیری کردن چیزی از چیزی
۶۴. مطابق شدن با محیط
۶۵. گروه‌بندی کردن کسی
۶۶. نسبت دادن چیزی به چیزی
۶۷. مشارکت در چیزی
۶۸. مشکوک به
۶۹. بی‌تفاوت نسبت به
۷۰. هم‌دوره با/هم‌زمان با
۷۱. راضی بودن به
۷۲. جبران کردن چیزی
۷۳. معادل بودن با چیزی
۷۴. پیش‌بینی برای چیزی
۷۵. مرجع برای چیزی
۷۶. مایه شرمندگی کسی
۷۷. تحقیق برای چیزی
۷۸. موضوعی برای چیزی
۷۹. برتر بودن نسبت به چیزی
۸۰. بیش از حد خوردن/نوشیدن
۸۱. از حفظ
۸۲. عوض کردن چیزی با چیزی
۸۳. برخلاف چیزی
۸۴. مفتخر به چیزی
۸۵. مناسب برای
۸۶. تابیده شده از
۸۷. اختصاص دادن چیزی به چیزی
۸۸. جایگزین شده به‌وسیله
۸۹. مختص جایی/منحصر به جایی

| | |
|---|--|
| 90. steady decline (90) | ۹۰. کاهش مستمر |
| 91. medical purposes (90) | ۹۱. اهداف پزشکی |
| 92. possibility of doing sth (90) | ۹۲. احتمال انجام کاری |
| 93. by any means (90) | ۹۳. به هر ترتیب |
| 94. generous benefactor (91) | ۹۴. خیر بخشنده |
| 95. general principle (91) | ۹۵. اصل کلی |
| 96. full of confidence (92) | ۹۶. سرشار از اعتماد بنفس |
| 97. cope with limitations (92) | ۹۷. مقابله کردن با محدودیت‌ها |
| 98. perform rituals (92) | ۹۸. انجام دادن مراسمات و سنت‌ها |
| 99. free samples (92) | ۹۹. نمونه‌های رایگان |
| 100. sharp distinction (93) | ۱۰۰. تفاوت شدید |
| 101. restrict the scope (93) | ۱۰۱. محدود کردن حوزه و قلمرو |
| 102. reach a compromise (93) | ۱۰۲. به توافق رسیدن |
| 103. express gratitude (93) | ۱۰۳. ابراز کردن قدردانی |
| 104. health and safety precautions (94) | ۱۰۴. اقدامات احتیاطی ایمنی و سلامت |
| 105. undergo revision (94) | ۱۰۵. مورد اصلاح قرار گرفتن |
| 106. the original manuscript (95) | ۱۰۶. نسخه اصلی |
| 107. career potential (95) | ۱۰۷. ظرفیت شغلی |
| 108. fill a vacancy (96) | ۱۰۸. پر کردن جای خالی (شغلی) |
| 109. strong inclination (96) | ۱۰۹. تمایل شدید |
| 110. local statistics (96) | ۱۱۰. آمار محلی |
| 111. in an attempt to do sth (96) | ۱۱۱. در تلاش برای انجام کاری |
| 112. nuclear fuel (97) | ۱۱۲. سوخت هسته‌ای |
| 113. avoid attention (97) | ۱۱۳. اجتناب از مورد توجه قرار گرفتن |
| 114. health issues (97) | ۱۱۴. مشکلات مربوط به سلامت |
| 115. have an impression that (97) | ۱۱۵. این حس را داشتن که |
| 116. sense of responsibility (98) | ۱۱۶. حس مسئولیت |
| 117. business ethics (98) | ۱۱۷. اصول تجاری |
| 118. cause hardship for sb (98) | ۱۱۸. باعث سختی شدن برای کسی |
| 119. solve a mystery (98) | ۱۱۹. حل کردن معما |
| 120. boost sb's mood (98) | ۱۲۰. بهبود دادن حال کسی |
| 121. place the blame on sb/sth (98) | ۱۲۱. تقصیر را بر گردن کسی / چیزی انداختن |
| 122. dedicate yourself to something (99) | ۱۲۲. خود را وقف چیزی کردن |
| 123. hospitable to something (99) | ۱۲۳. مطلوب بودن برای چیزی |
| 124. keep to yourself (99) | ۱۲۴. تنها ماندن و از دیگران دور ماندن |
| 125. a host of something (99) | ۱۲۵. تعداد زیادی از چیزی |
| 126. absolve the charge of doing something (99) | ۱۲۶. مبرا کردن اتهام انجام دادن کاری |
| 127. stay alert (99) | ۱۲۷. بیدار ماندن |
| 128. source of strength (1400) | ۱۲۸. منبع قدرت |
| 129. reasonable request (1400) | ۱۲۹. درخواست معقول |
| 130. at a moment's notice (1400) | ۱۳۰. فوراً |
| 131. suggest a hypothesis (1400) | ۱۳۱. فرضیه ای را مطرح کردن |
| 132. warm ambience (1400) | ۱۳۲. محیط گرم و صمیمی |
| 133. blot out something (1400) | ۱۳۳. چیزی را فراموش کردن |
| 134. heated discussion (1401) | ۱۳۴. بحث داغ و جنجالی |
| 135. growing competition (1401) | ۱۳۵. رقابت فزاینده |
| 136. accuse somebody of doing something (1401) | ۱۳۶. کسی را متهم به انجام کاری کردن |
| 137. come up to somebody's expectation (1401) | ۱۳۷. طبق انتظارات کسی بودن |
| 138. free accommodation (1401) | ۱۳۸. سرپناه رایگان |
| 139. rise to prominence (1401) | ۱۳۹. به شهرت و مقام بالا دست یافتن |
| 140. extra effort (1401) | ۱۴۰. تلاش دوچندان |
| 141. mistakenly believe (1401) | ۱۴۱. به اشتباه باور داشتن |
| 142. make progress (1402) | ۱۴۲. پیشرفت کردن |
| 143. to have the lead (1402) | ۱۴۳. پیشتاز بودن |
| 144. relieve the pain (1402) | ۱۴۴. درد را تسکین دادن |
| 145. infect a computer with a virus (1402) | ۱۴۵. ویروسی کردن رایانه |
| 146. choose a major (1402) | ۱۴۶. انتخاب رشته کردن |
| 147. price range (1402) | ۱۴۷. محدوده قیمتی |
| 148. award custody to somebody (1402) | ۱۴۸. حضانت را به کسی سپردن |
| 149. renewable energy (1402) | ۱۴۹. انرژی تجدیدپذیر |
| 150. swap something for something (1402) | ۱۵۰. چیزی را با چیز دیگری عوض کردن |
| 151. swallow your pride (1402) | ۱۵۱. غرور خود را زیر پا گذاشتن |
| 152. persistent offender (1402) | ۱۵۲. مجرم سرسخت |

311.1- Studies on relationships at middle age have found a steady ... of stress in marriages all the way from youth into old age. (سراسری داخل کشور، ۹۰)

- 1) record 2) decline 3) issue 4) measure

312.2- Smoking should be forbidden on airplanes. We are all ... to breathe clean air. (سراسری داخل کشور، ۹۰)

- 1) entitled 2) devoted 3) mediated 4) convinced

313.3- It is interesting that medical researchers have made important medical ... through animal research. (سراسری داخل کشور، ۹۰)

- 1) purposes 2) formations 3) discoveries 4) impressions

پاسخنامه تشریحی

۲۶۲. گزینه ۲

وقت آن است که در مورد راه انداختن کسب و کار خودتان شروع به فکر کنید. نکته: عبارت "It's (about) time" (وقت آن است) مفهوم توصیه دارد و در دو ساختار زیر به کار می‌رود و در هر دو شکل به زمان حال یا آینده دلالت دارند.

مصدر با to + (مفعول + for)
 It's (high/ about) time + {
 فعل گذشته + فاعل

۲۶۳. گزینه ۲

ترجیح می‌دادم وقتی که قرارداد را امضا کردیم، حاضر می‌بودی. نکته: چنانچه بعد از "would rather" (ترجیح دادن) جمله زمان گذشته داشته باشیم، دلالت به زمان حال و آینده دارد و اگر بعد از آن، زمان گذشته کامل داشته باشیم، دلالت به زمان گذشته دارد. اما در این جا با توجه به این که "sign" گذشته است، "would rather" نیز دلالت به زمان گذشته دارد، پس از بعد از آن نیاز به فعل گذشته کامل است.

۲۶۴. گزینه ۳

جو صمیمی مدرسه در آن جا درس خواندن را به یک لذت تبدیل کرده بود. نکته: به ساختار زیر توجه کنید.

فعل + to + اسم + (a/an) + اسم / ضمیر + make

۲۶۵. گزینه ۳

کنترل تلویزیون در کابینت چه کار می‌کند؟ من به یاد نمی‌آورم آن را آن جا گذاشته باشم.

نکته: بعد از افعالی مانند "remember" (به خاطر داشتن) و "recall" (به یاد آوردن) با توجه به معنای جمله، فعل دوم به دو صورت اسم مصدر یا مصدر با "to" به کار می‌رود.

1) remember to do sth

یادت باشد که کاری را در آینده انجام دهی.

2) remember doing sth

یادت باشد که کاری را در گذشته انجام داده‌ای.

۲۶۶. گزینه ۲

بعضی از رهبران مذهبی اظهار کرده‌اند که عدم اقدام مؤثر در مسائل محیط زیستی اشتباه است، چون آلوده کردن زمین می‌تواند اکنون یک گناه باشد. نکته: با توجه به معنی و ترتیب اجزای جمله، پاسخ گزینه ۲ است.

۲۶۷. گزینه ۳

برای شما و هر کس دیگری که آن تصادف وحشتناک را تجربه کرده ضروری است تا اطمینان حاصل کند که چنین چیزی هیچ‌گاه دوباره رخ نخواهد داد. نکته: بعد از صفات، از فعل به صورت مصدر با "to" و ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

"It + to be + adjective + (for + object) + infinitive + ..."

۲۶۸. گزینه ۳

شنیده شده بود که جیم گفته‌است قصد داشت در طول آخر هفته طولانی شهر را ترک کند.

نکته: وجه فعل "hear" مجهول است، زیرا فعلی متعدی است و قبل از آن مفعول آمده‌است. هم‌چنین بعد از شکل مجهول افعال حسی، فعل دوم به صورت مصدر با "to" یا "ing" دار می‌آید.

۲۶۹. گزینه ۴

من داشتم از آن چه ارزش داشت، پول بیش‌تری صرف ماشین می‌کردم. نکته: به ساختار "to be worth + v + ing" دقت کنید.

گزینه‌های «۲ و ۴». در جای خالی نیاز به قید "conventionally" به معنای «به‌طور سنتی» داریم که قبل از صفت قرار می‌گیرد و آن را توصیف می‌کند (رد گزینه «۱»). البته، کلید سازمان سنجش به اشتباه گزینه «۲» بوده است.

۲۵۴. گزینه ۴

صاعقه‌ای که به زمین برخورد می‌کند، بیشترین احتمال را دارد که مخرب باشد، بنابراین حتی با وجود این که تنها ۲۰ درصد از رعد و برق را تشکیل می‌دهد، توجه علمی زیادی را به خود جلب کرده است. نکته: بعد از "likely" به معنای «محمتم» نیاز به مصدر با "to" داریم. کلمه "destructive" یک صفت است و با توجه به وجود "the" قبل از "likely" نمی‌تواند به‌عنوان اسم در جای خالی قرار بگیرد.

۲۵۵. گزینه ۱

این مطالعه ثابت کرد که زنان کمتر از مردانی که مشاغلی با ارزش مشابه دارند، حقوق دریافت می‌کنند. نکته: برای اتصال دو اسم "jobs" و "worth" نیاز به حرف اضافه "of" داریم (رد گزینه‌های «۳ و ۴»). مشخصاً صفت "comparable" باید قبل از اسم "worth" قرار بگیرد (رد گزینه «۲»).

۲۵۶. گزینه ۱

بسیاری از ما در شهر زندگی خسته‌کننده‌ای داریم، اما به‌نظر می‌رسد برخی افراد در سفر از کشوری به کشور دیگر، زندگی خیلی هیجان‌انگیزی دارند. نکته: با توجه به ساختار تشدید کننده «اسم جمع + صفت + (a/an) + such»، گزینه «۱» صحیح است.

۲۵۷. گزینه ۴

یکی از دلایل افول ناگهانی بریتانیا در اواسط قرن بیستم، هزینه و تلاش آن کشور برای شرکت در دو جنگ جهانی بود. نکته: در جای خالی نیاز به اسم "decline" به معنای «زوال، افول» داریم که تنها در گزینه «۴» داریم.

۲۵۸. گزینه ۳

کهکشان راه شیری یک کهکشان مارپیچی است، صفحه‌ای مسطح از ستارگان با دو بازوی مارپیچی که از هسته مرکزی آن بیرون می‌آیند. نکته: بعد از ویرگول نیاز به ساختاری داریم که در قالب «بدل» به توصیف "Milky Way" بپردازد. اسم "disc" قابل شمارش است، پس در حالت مفرد حتماً نیاز به یک معرف اسم مانند "a" می‌باشد (رد گزینه‌های «۱ و ۲»). به‌کارگیری "while" جمله را به لحاظ معنایی ناقص می‌کند (رد گزینه «۴»).

۲۵۹. گزینه ۳

جان مطمئناً خواننده بااستعدادی است و اگر بتواند به همان خوبی‌ای که می‌تواند بخواند گیتار بزند، واقعاً حرفه‌ای خواهد داشت. نکته: به‌کارگیری گزینه «۱»، جمله را از نظر معنایی دچار مشکل می‌کند، چرا که در جای خالی نیاز به ساختار مقایسه‌ای داریم (رد گزینه «۱»). با توجه به وجود فعل غیررابطی "play"، باید از قید استفاده شود نه صفت (رد گزینه «۲»). به ساختار "half as adj/adv as ..." توجه کنید (رد گزینه «۴»).

۲۶۰. گزینه ۴

ریچارد اگر باهوش‌تر از سایر اعضای تیم فوتبال نباشد، [حداقل] به اندازه آنها باهوش در نظر گرفته می‌شود. نکته: به ترکیب گرامری "as adj as, if not more adj than, ..." دقت کنید.

۲۶۱. گزینه ۱

پس از آن چه امروز صبح مدیر گفت، جرأت نکردم با او در مورد مشکلات حرف بزنم. نکته: هم به‌عنوان فعل اصلی و هم به‌عنوان فعل کمکی به کار می‌رود. در این جا به‌عنوان فعل اصلی به کار رفته، چون با "didn't" منفی شده است و باید بعد از آن مصدر با "to" به کار رود.

۲۷۰. گزینه ۳

متأسفم. من نمی‌توانم خودم راجع به سیستم گرمایش مرکزی کاری انجام دهم، اما قصد دارم آن را به کسی بدهم تا تعمیر شود.
نکته: در این سؤال، کاربرد وجه سببی مجهول با ساختار «**get / have + p.p. + مفعول**» مدنظر است؛ یعنی از فرد دیگری می‌خواهیم که کاری را برایمان انجام دهد، بدون ذکر کردن نام او در جمله.

۲۷۱. گزینه ۴

من ترجیح می‌دادم شما برنامه‌ای برای امشب ترتیب نمی‌دادید؛ ولی فکر می‌کنم الان برای تغییر چیزها خیلی دیر شده‌است.
نکته: از ساختار «گذشته فعل **would rather + sb + مفعول**» وقتی می‌خواهیم فردی کاری را انجام دهد، استفاده می‌کنیم. با توجه به معنی جمله، این ساختار باید به صورت منفی و با فعلی در زمان گذشته کامل به کار رود.

۲۷۲. گزینه ۱

نظر لطفشان بود که از من پرسیدند که آیا می‌خواهم شب بمانم.
نکته: بعد از صفت (nice) فعل به صورت مصدر با «**to**» قرار می‌گیرد. همچنین «**whether**» به معنی «که آیا» معمولاً با افعال سؤالی مانند «**ask**» همراه است.

۲۷۳. گزینه ۳

کوساکوسکی نشان داده‌است که استفاده از فناوری آموزشی برای تکرار و تمرین مهارت‌های پایه می‌تواند برای این‌که دانش‌آموزان هر چه سریع‌تر با استفاده از آموزش همراه با کامپیوتر بیاموزند، بسیار کارآمد باشد.
نکته: برای ربط دو جمله از حرف ربط هم‌پایه‌ساز «**and**» استفاده می‌کنیم و ساختار جمله دوم مشابه جمله اول باید باشد:

... **and** (Kosakowski showed) that students learn ...

۲۷۴. گزینه ۱

همه ما تمام بعدازظهر در اتاق هتل‌مان ماندیم و با یکدیگر صحبت می‌کردیم. در آن منطقه دور، کار دیگری برایمان نبود تا انجام دهیم.
نکته: در گزینه «۲» استفاده از «**that**» در پایان جمله به معنای تکرار کردن مفعول است که این گزینه را نادرست می‌کند. در گزینه «۴» استفاده از «**where**» نادرست است، زیرا در جمله هیچ مرجعی برای این ضمیر وجود ندارد. در گزینه «۳»، استفاده از فعل مثبت (was) قبل از جای خالی، نشان می‌دهد که وجود «**anything**» که باید بعد از شکل منفی فعل (wasn't) بیاید، نادرست است.

۲۷۵. گزینه ۲

در می ۱۹۵۳، ادموند هیلاری و تنزیگ نورگی اولین افرادی بودند که قله کوه اورست، بلندترین کوه در جهان، را فتح کردند.
نکته: بعد از عبارتی مانند «**the first ...**» برای بیان توضیح بیش‌تر به جای عبارت موصولی (relative clause) می‌توانیم از مصدر با «**to**» (infinitive) استفاده کنیم:

...were the first people who reached → were the first people to reach

۲۷۶. گزینه ۴

مری بعد از این‌که از قفل بودن در جلویی مطمئن شد، خانه را ترک کرد تا به خرید برود.
نکته: به‌خاطر استفاده از «**sure**» جمله بعد از آن باید از یکی از ساختارهای زیر پیروی کند:

make sure + to + verb → make sure to lock the front door
make sure + that + جمله مستقل make sure the front door is locked

۲۷۷. گزینه ۴

قبل از این‌که در کنفرانس همدیگر را ملاقات کنیم، من نهایت سعی خود را می‌کنم تا دستور جلسه را آماده کنم.
نکته: بعد از عبارت «**do my best**» فعل به صورت مصدر با «**to**» به کار می‌رود.

۲۷۸. گزینه ۱

وظیفه منشی است به همه مدیران برنامه برای جلسات ماهانه هیئت مدیره اطلاع بدهد.
نکته: مصدر ابتدای سوال فقط با ساختار گزینه «۱» طبق فرمول زیر به کار می‌رود:

It + to be + adjective/ noun + to+ verb

۲۷۹. گزینه ۴

هربار که خواستم کمی مطالعه کنم، هم‌اتاقی‌ام پیوسته رادیو گوش می‌داد.
نکته: بعد از «**keep**» به معنی «دامه دادن» فعل به شکل «**ing**» دار (gerund) به کار می‌رود.

۲۸۰. گزینه ۲

برخی از شرکت‌های دوستدار محیط‌زیست‌نما پول بیشتری را برای تبلیغ ویژگی‌های «دوستدار محیط‌زیست» خود صرف می‌کنند تا این‌که عملاً اقدامات زیست‌محیطی انجام دهند.
نکته: با توجه به فعل «**ing**» دار «**advertising**» در طرف اول مقایسه، بعد از «**than**» نیز نیاز به فعل «**ing**» دار داریم.

۲۸۱. گزینه ۴

محدود کردن انتخاب صبحانه به غذاهای سرد باعث صرفه‌جویی در هزینه می‌شود و به ما این امکان را می‌دهد که برنامه‌های غذایی خود را مقرون به صرفه نگه داریم.
نکته: بعد از فعل «**allow**» نیاز به مصدر با «**to**» داریم (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). از سوی دیگر، با توجه به ساختار «**keep + sth + adjective**» نیازی به فعل «**are**» قبل از صفت «**affordable**» نیست (رد گزینه «۳»).

۲۸۲. گزینه ۲

یوهانس برای این‌که بتواند به راحتی شغلی پیدا کند، تصمیم گرفت دانشش را در رشته خود بهبود ببخشد.
نکته: با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی بیان هدف از انجام کاری مورد نظر است. در نتیجه، باید از مصدر با «**to**» استفاده کنیم.

۲۸۳. گزینه ۴

به سقراط، فیلسوف بزرگ یونانی، دستور داده شد تا به خود سمی به نام شوکران بدهد.
نکته: فاعل و مفعول برای فعل «**give**» یکسان است، پس مفعولی که بعد از «**give**» می‌آید باید به صورت ضمیر انعکاسی «**himself**» باشد (رد گزینه «۱»). به‌طور کلی، هر سه ساختار در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» به لحاظ ترتیب قرارگیری کلمات ناقص هستند.

۲۸۴. گزینه ۳

ما دیروز صحبت کردیم و من خرید دوچرخه‌ای با کیفیت را به جای دوچرخه‌ای ارزان توصیه کردم.
نکته: بعد از «**recommend**» نیاز به اسم مصدر (فعل «**ing**» دار) داریم.

۲۸۵. گزینه ۴

در ابتدا او تمایلی نداشت، زیرا او همیشه شخصی بسیار خصوصی بوده است، علی‌رغم این‌که عادت داشت در انتظار عمومی باشد.
نکته: بعد از «**despite**» نمی‌توان از جمله استفاده کرد (رد گزینه «۱»). ساختار «**his used to**» کاملاً معیوب است (رد گزینه «۳»). بعد از ساختار «**be used to**» به معنای «عادت داشتن به چیزی» به فعل «**ing**» دار نیاز داریم (رد گزینه «۲»).

۲۸۶. گزینه ۳

وقتی در تهران بودم، یک روز را صرف کاوش در آن کردم اما حتی موفق به دیدن تمام آن نشدم.

نکته: با توجه به ساختار "spend ... doing" که در آن در جای خالی یک بازه زمانی گذاشته می‌شود، گزینه «۳» صحیح است.

۲۸۷. گزینه ۴

یکی از راه‌های حفظ سلامتی این است که رژیم غذایی پر فیبر و کم چربی را انتخاب کنید.

نکته: بعد از حرف اضافه "in" نیاز به ساختار اسمی داریم (رد گزینه های «۱» و «۲»). بعد از فعل "is" نیاز به مصدر با "to" داریم (رد گزینه «۳»).

۲۸۸. گزینه ۲

والدین می‌توانند تماشا کنند که فرزندانشان غواصی را یاد می‌گیرند و از پاشیدن آب و ایجاد حباب در زیر آب لذت می‌برند.

نکته: به کارگیری حرف اضافه "in" قبل از "underwater" کاملاً نادرست است (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). اسم "bubbles" اصلاً نمی‌تواند مفعول مناسبی برای "splash around" باشد (رد گزینه «۴»).

۲۸۹. گزینه ۲

روز گذشته، نگهبان آن دزد را در حال سرقت تلفن همراه از مغازه دستگیر کرد.

نکته: با توجه به قید زمان موجود در جمله، نمی‌توان از زمان حال ساده استفاده کرد (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). در جمله نیاز به مفهوم استمرار داریم که در گزینه «۴» موجود نیست. به ترکیب زیر دقت کنید:

"catch somebody doing something"

۲۹۰. گزینه ۱

شاهد قتل خواستار مخفی ماندن نام خود شد. او خواست که در روزنامه نامش فاش نشود.

نکته: بعد از فعل "ask" نیاز به مصدر با "to" داریم (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). استفاده از مصدر کامل در جای خالی هیچ دلیلی ندارد (رد گزینه «۳»).

۲۹۱. گزینه ۴

نگهبانان باید انبار را بررسی می‌کردند، اما آن‌ها [این کار را] نکردند.

نکته: از آنجایی که "but" در جملات متناقض به کار می‌رود، فعل جمله اول باید به صورت مثبت به کار رود (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۳»). با توجه به مفهوم جمله که بیانگر لزوم است، گزینه «۴» صحیح است. دقت کنید که ساختار گزینه «۳» برای بیان استنتاج در گذشته استفاده می‌شود.

۲۹۲. گزینه ۳

می‌دانستم که آزمونی وجود نخواهد داشت، بنابراین لزومی نداشت که درس بخوانم (و نخوانم). به جای آن، تلویزیون تماشا کردم.

نکته: ساختار (فعل ساده + neednot) برای بیان این‌که «عملی لازم نیست انجام شود و نشد» به کار می‌رود و شکل گذشته آن به صورت "didn't need to" است.

ساختار "need not have + p.p." به این معناست که «عملی در گذشته لزومی نداشت انجام شود، اما شد».

۲۹۳. گزینه ۳

امکان دارد خیلی وقت پیش او را ملاقات کرده باشم؛ اسم و چهره‌اش هر دو خیلی آشنا هستند.

نکته: از ساختار "may have p.p." برای بیان این‌که «احتمال انجام عملی در گذشته وجود داشته است» استفاده می‌شود.

۲۹۴. گزینه ۳

ماه گذشته نباید مرخصی می‌گرفتم. الان [از برنامه] حتی عقب‌تر هستم. نکته: از ساختارهای "shouldn't have p.p" و "ought not to have p.p" برای بیان عملی استفاده می‌شود که بهتر بود در گذشته صورت نمی‌گرفت، ولی انجام شده است.

۲۹۵. گزینه ۴

بعد از مرگ خواهرش، او را مقصر دانستیم، چون ما فکر می‌کردیم که او می‌توانست کاری برای نجات او انجام دهد، اما او هیچ کاری نکرد و تا خواهرش توسط آب برکه بلعیده شد، فقط منتظر ماند.

نکته: به ساختار "could have done" به معنای این‌که «می‌توانست کاری را انجام بدهد، اما نداده‌است» توجه کنید.

۲۹۶. گزینه ۲

تو ممکن نیست آن فیلم را هفته گذشته دیده، آن تنها دیروز منتشر شد. نکته: از ساختار "can't have + p.p." برای بیان این‌که کاری در گذشته غیرممکن است که صورت بگیرد، استفاده می‌شود.

۲۹۷. گزینه ۲

ما می‌توانستیم الان در ساحل در حال استراحت کردن بودیم اگر هواپیما را از دست نداده بودیم.

نکته: "could" نشان‌دهنده توانایی یا احتمال انجام عملی در زمان گذشته است. گزینه «۱» از لحاظ زمانی غلط است. ساختار گزینه «۳» بیانگر این است که شاید عملی در گذشته انجام شده باشد. نوع شرط این جمله ترکیبی است یعنی اگر در گذشته عملی اتفاق می‌افتاد، نتیجه متفاوتی در زمان حال داشت و ساختار جمله جواب شرط به صورت "would + v" است. اما ساختار گزینه «۴» مربوط به جمله شرطی نوع ۳ است که در آن نتیجه عمل در زمان گذشته بیان می‌شود، نه در حال.

۲۹۸. گزینه ۳

ما می‌توانستیم آن آپارتمان را اجاره کنیم، اما به این نتیجه رسیدیم که این کار بهترین گزینه نیست.

نکته: ساختار "could have p.p." نشان می‌دهد که «فرد توانایی یا فرصت انجام کاری را داشت.»

۲۹۹. گزینه ۴

این‌که قاتل هیچ ردپایی به جا نگذاشته بود، این را به ما می‌باوراند که او حتماً جرم را براساس یک نقشه از پیش طراحی‌شده دقیق مرتکب شده بود. نکته: محتوای کلی جمله اشاره به یک حدس و گمان قوی در زمان گذشته دارد، پس باید از ساختار "must have p.p." استفاده کنیم.

۳۰۰. گزینه ۳

تقصیر او (آقا) است که او (خانم) او (آقا) را ترک کرد. او (آقا) باید نسبت به او (خانم) مهربان‌تر می‌بود.

نکته: در این سؤال، ساختار "should have p.p." به کار رفته که ابراز پشیمانی را بیان می‌کند، با این معنا که او نباید کاری را انجام می‌داد که انجام داده‌است.

گزینه «۱»: "must have p.p." برای بیان استنتاج قطعی به کار می‌رود، با این مفهوم که با توجه به شرایط موجود نتیجه‌گیری می‌کنیم که عملی قطعاً در گذشته رخ داده‌است.

گزینه «۲»: "could have p.p." عدم استفاده از فرصت و توانایی در گذشته را بیان می‌کند. بدین معنا که می‌توانستیم کاری را در گذشته انجام بدهیم، اما نداده‌ایم.

گزینه «۴»: "might have p.p." برای بیان نتیجه‌گیری با شک و تردید به کار می‌رود، با این مفهوم که با توجه به شواهد موجود نتیجه‌گیری می‌کنیم که عملی احتمالاً در گذشته رخ داده است.

با توجه به مفهوم سؤال قطعاً به کارگیری "should" بهتر است، اما گزینه «۲» نیز می‌توانست پاسخ صحیح باشد.

۳۰۱. گزینه ۴

او زندگی کودکی خود را بدون حمایت پدری پشتیبان گذرانده بود و بعداً تصمیم گرفت خود و زندگی‌اش را وقف کمک به فرزندان تک‌والد کند.
نکته: بعد از فعل "dedicate" (وقف کردن، اختصاص دادن) از ساختار "to+gerund" استفاده می‌کنیم.

۳۰۲. گزینه ۴

مراقب نوع شغلی که قرار است مشغول به آن شوید باشید. تنها چیزی که بسیار مهم است سلامتی شماست که ممکن است تحت فشارهای سنگین کار تحلیل برود.

نکته: حرف اضافه فعل "involve"، "in" می‌باشد (رد گزینه‌های ۱ و ۳). همچنین، با توجه به این‌که رابطه اسم "the job" و فعل "involve" مفعولی است، به ساختار مجهول نیاز داریم (رد گزینه ۲). علاوه بر آن، در نظر داشته باشید که ضمایر موصولی در حالت مفعولی قابل حذف هستند.

۳۰۳. گزینه ۴

مدیریت درخواست کرده است که ریچل، یکی از متعهدترین و سخت‌کوش‌ترین کارمندان، از رسانه‌های اجتماعی برای اهداف شخصی در ساعات کاری استفاده نکند.

نکته: ساختار "subject + requested + that" نشانه ساختار وجه التزامی است. در ساختار وجه التزامی، از شکل ساده فعل و در هنگام منفی کردن فقط از "not" به همراه مصدر بدون "to" استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳). همچنین، با توجه به این‌که رابطه اسم "Rachel" و فعل "use" فاعلی است، از ساختار مجهول استفاده نمی‌کنیم (رد گزینه ۲).

۳۰۴. گزینه ۴

میل کلید انگیزه است، اما عزم و تعهد به مصممانه دنبال کردن هدف‌تان، تعهد به تعالی است که شما را قادر می‌سازد به موفقیتی که به دنبالش هستید دست یابید.

نکته: دقت کنید که در جای خالی نیاز به یک فعل داریم، در غیر این صورت جمله بعد از "but" فاقد فعل اصلی می‌شود. تنها در گزینه ۴ فعل "is" را به صورت مخفف شده داریم.

۳۰۵. گزینه ۳

از قایق‌های بخار برای انتقال مردم به مقاصد مختلف در امتداد رودخانه‌ای که اکنون می‌سی‌سی‌پی نام دارد، استفاده می‌شود.

نکته: برای مکان‌های شناخته شده همچون رودهای معروف از حرف معرفه‌ساز "the" استفاده می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴). با توجه به قید زمان "now"، نمی‌توان از زمان گذشته در جای خالی استفاده کرد (رد گزینه ۲).

۳۰۶. گزینه ۳

از آنجایی که افراد نسبت به این موضوع آگاهی ندارند، دولت جدید باید آگاهی را افزایش دهد تا اعتماد مردم را جلب کند.

نکته: با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی نیاز به کلمه‌ای داریم تا به دلیل و علت اشاره کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴). همچنین بعد از جای خالی از جمله‌ای کامل استفاده شده است، پس نمی‌توان از ساختار "because of" استفاده کرد (رد گزینه ۲).

۳۰۷. گزینه ۳

تنها زمانی که خورشید در پشت تپه‌های دور غروب می‌کند، موجودات شبگرد با احتیاط از پناهگاه‌های مخفی خود بیرون می‌آیند تا فعالیت‌های شبانه خود را در زیر پوشش تاریکی آغاز کنند.

نکته: بعد از عبارتهای "only when, only after, not until, not since" قسمت دوم جمله، وارونه می‌شود و قسمت اول بدون تغییر باقی می‌ماند (رد سایر گزینه‌ها).

۳۰۸. گزینه ۴

در قلب شهر شلوغ، زیر آسمان‌خراش‌های سر به فلک کشیده، باغی پنهان قرار دارد، جایی که آرامش در میان هرج و مرج حاکم است و پناهگاهی برای روح‌های خسته‌ای است که به دنبال آرامش هستند.

نکته: با توجه به معنی و مفهوم جمله، نیازی به ضمیر موصولی "which" نداریم (رد گزینه‌های ۲ و ۳). از طرفی، با توجه به این‌که قید مکان در ابتدای جمله قرار گرفته و با کاما از بقیه جمله جدا نشده است، به ساختار وارونگی نیاز داریم و باید ابتدا فعل و سپس فاعل را بیآوریم (رد گزینه ۱).

۳۰۹. گزینه ۴

طبق آمار، دو سال پیش استمفورد بریج در رده پنج استادیوم برتر انگلستان قرار گرفت و جایگاه خود را به عنوان یکی از نمادین‌ترین و باشکوه‌ترین زمین‌های فوتبال در جهان تثبیت کرد.

نکته: با عبارت "not (a time) ago" وارونگی اتفاق نمی‌افتد (رد سایر گزینه‌ها).

۳۱۰. گزینه ۱

تنها پس از تکمیل نقاشی دیواری پرجزئیات، هنرمند خسته که چندین هفته روی آن کار کرده بود، سرانجام متوجه شد که چه کار بزرگی را انجام داده است.

نکته: توجه کنید که بعد از یک سری ترکیبات با "only" که در اول جمله می‌آیند وارونگی رخ می‌دهد. نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که زمانی بعد از "only after" قسمت دوم جمله دچار وارونگی می‌شود که آن در ابتدای جمله باشد، نه اینکه در وسط جمله بیاید. همانطور که مشاهده می‌کنید، جمله اول که بعد از "only after" به کار رفته است دچار وارونگی نشده و وارونگی برای جمله دوم اتفاق افتاده است. با توجه به وجود فعل کمکی "did" بعد از آن به شکل ساده فعل نیاز داریم (رد سایر گزینه‌ها).

Chapter 2: Vocabulary

۳۱۱. گزینه ۲

بررسی‌ها در مورد روابط افراد در میان‌سالی یک کاهش یکنواخت فشار روحی را در ازدواج‌ها از سنین جوانی تا پیری یافته است.

- | | |
|------------------|-----------------|
| (۱) ثبت، تاریخچه | (۲) کاهش |
| (۳) موضوع، مسئله | (۴) تدبیر، سنجش |

۳۱۲. گزینه ۱

سیگار کشیدن باید در هواپیماها ممنوع شود. همه ما این حق را داریم که هوای پاکیزه تنفس کنیم.

- | | |
|---------------------------|-----------------|
| (۱) حق داشتن، شایسته بودن | (۲) وقف کردن |
| (۳) وساطت کردن | (۴) متقاعد کردن |

۳۱۳. گزینه ۳

جالب است که محققین علوم پزشکی از طریق تحقیق روی حیوانات اکتشافات پزشکی مهمی انجام داده‌اند.

- | | |
|---------|--------------------|
| (۱) هدف | (۲) شکل، صورت‌بندی |
| (۳) کشف | (۴) تأثیر، برداشت |

۳۱۴. گزینه ۲

قصد نداشتیم قرارداد اجاره آپارتمانمان را تمدید کنیم، اما وقت هم نداشتیم به‌دنبال آپارتمان دیگری بگردیم.

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| (۱) به‌روزر کردن | (۲) تمدید کردن، طولانی کردن |
| (۳) بالا بردن، تقویت کردن | (۴) افزایش دادن |